

الی بکر السیوطی رحمه الله علیه یسیدنا عامه و شیعین از ان متبع شوند و این عاصی ابد عاصی حسن خاتمه و مغفرت شود
امداد و اعانت فرماید و الله المستعان و علیه الشکون و لا حول و لا قوة الا بالله العلی

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صحرای صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جهل زیاد شود و زنا و شرب خمر بسیار باشد و زنا
بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر بست زن یک و نیم باشد و در صحیحین از عبد الله بن عمر روایت است
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینه های مردم بخواهد شد لیکن علمای بمیرند و سرداران اهل باشد
بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن ابیه روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه
ما قرآن بخوانیم و پسران خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود
من ترا و انما فی النسم غمی یعنی بیو و و نصاری تو نیست و انجیل میخوانند و بران عمل نمیکند و مسلم از جابر از آنحضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در غلگولیان بسیار باشد و غلگولی از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه
و سلم آورده که کار با سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردی
از کثرت بلا آرزوی موت کند و ترندی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده و قتی که
مال غنیمت را سرداران و ملت خود دانند و مردم امانت را غنیمت بینند و زکوة را تاوان دانند و علم را
برای دنیا آموزند و مردمان بر داری زن و نامرمانی مادر کنند و یار را نزدیک و پدر را بعید کنند و در مساجد
آواز بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و اراذل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان اگر می
کرده شود و مطر و معاوضه علانیه کرده شوند و خمر غوره شود و آخر است ابدی است را لعن کنند پس
منتظر باشند در الوقت با و تن را که سرخ رنگ باشد و زرا از خسف و مسخ و قیاف و دیگر علامات قیامت
بی بی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانند که دران منتظم باشند فرود میزند و ترندی از
علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده که کم ازین و دوران پوشیدن حریر هم گفته

در حدیث صحیحین از عبد الله بن عمر روایت است
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینه های مردم بخواهد شد
لیکن علمای بمیرند و سرداران اهل باشد بی علم حکم کنند
گمراه شوند و گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن ابیه روایت کرده
که گفتم یا رسول الله علم چگونه ما قرآن بخوانیم و پسران خود را می آموزیم
و آنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود
من ترا و انما فی النسم غمی یعنی بیو و و نصاری تو نیست و انجیل میخوانند
و بران عمل نمیکند و مسلم از جابر از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده
که در غلگولیان بسیار باشد و غلگولی از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه
و سلم آورده که کار با سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره
از آنحضرت آورده که مردی از کثرت بلا آرزوی موت کند و ترندی از ابی هریره
آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده و قتی که مال غنیمت را سرداران
و ملت خود دانند و مردم امانت را غنیمت بینند و زکوة را تاوان دانند و علم را
برای دنیا آموزند و مردمان بر داری زن و نامرمانی مادر کنند و یار را نزدیک
و پدر را بعید کنند و در مساجد آواز بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند
و اراذل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان اگر می کرده شود و مطر و معاوضه
علانیه کرده شوند و خمر غوره شود و آخر است ابدی است را لعن کنند پس منتظر
باشند در الوقت با و تن را که سرخ رنگ باشد و زرا از خسف و مسخ و قیاف و دیگر
علامت قیامت بی بی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانند که دران منتظم
باشند فرود میزند و ترندی از علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده که کم
ازین و دوران پوشیدن حریر هم گفته

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابوداود و از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل پر کند یعنی از جور پر شده بود و ابوداود و از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام منی شما باشد مشابه باشد آنحضرت را و خلق
نه و خلق ابوداود و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده و صفت مهدی که شایسته
بلند و بار یک بینی و ابوداود و از ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بادشاهی در
آن زمان مردی از اهل مدینه براید و بسوی مکه که رفته رود او را مردم برای خلافت برارند و او کاره باشد
و در میان رکن مقام باو بی حجت کنند پس لشکری از طرف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر
در میان مکه و مدینه و زمین فرو رود و ابدال از شام و عصاب از عراق آمده باو بی حجت کنند
پس مردی از قریش براید که احوال او از بنی کلب باشند مهدی وی لشکر فرستد و بر وی غالب شوند
و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و هفت سال بادشاهی
کند پسر میرود و مسلمانان وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده
نیز این را از عدل پر کند و اهل آسمان زمین را در ارض باشند آسمان در باریدن و زمین در باریدن
کمی کند مردم آرزو کنند و گویند در وقت اگر مردگان هم زنده بودند می خوش آسایش که دندنی حد
در حقیقت که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند هر دو و تسلم از ابی هریره روایت کرده از آنحضرت
صلی الله علیه و سلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود و حدیکه مرد زکوة برارد و نیاید کسی که قبول زکوة کند
نوع دوم در علامات کبری مسلمان از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول ایا
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت هر یکی که از اینها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْكُمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً
مِّنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

در صورت ظاهر بی
جهت پس شباهت
در صورت هم که است
کنند فی شیخ المشکاة
و مقام از پیغمبر
سید ابدال که در بنی کلب
که حق تعالی زمین را
و اهل آسمان و زمین را
در حقیقت که در آخر زمان
صلی الله علیه و سلم که قیامت
نوع دوم در علامات کبری
طلوع آفتاب از جانب مغرب
قریب آن ظاهر شود قال الله
مِنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم را
 مردم دایه الارض سخن گوید با مردم آنکه مردم آیات مایقین میشدند و در قرآنی غیر متواتر تکلم
 بفتح تا و سکون کان و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه آیات خدا یقین بخشند
 ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث
 اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحمه و سائر بدن
 مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در مکه از کوه صفا براید ابن عباس در حج بر
 کوه صفا عصا گرفت و گفت که دایه الارض آواز این گرفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
 عبدالله بن عمر گفته که سر او بابرسد و پای او هنوز در زمین باشد و بقوی از ابی شریح انصاری از
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که دایه الارض سه بار خارج شود اول همین ذکر او در صحرا باشد
 و در مکه ذکر او در مسجد باز در صحرا قریب مکه براید و ذکر او در مکه رسد سوم بار در مکه براید سر خود را از خاک افشان
 و بر مردم گذرد و برستی که کسی از وی گریختن نتواند و سخن گوید مسلمان بایا مومن و کافر را گوید یا کافر و در وقت
 آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ سکن
 نوشته شود و تمام روی او روشن شود و شل کوکب درخشان و کافرا نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
 کند کافرا نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن دوم بشناسند و در بازار بگویند ای مومن بخت
 میدهی و در بعضی روایات آمده که خروج دایه الارض حضور عیسی باشد عیسی مسلمانان و بطواف باشند
 که زمین ببرزد و صفا شکافته شود و او براید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
 و خروج دایه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دایه الارض امر معروف و نهی منکر باقی ماند
 و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیاورد و نزدی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم
 فرموده قسم بکسی که جان من دوست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و در
 تازیانه و شرک نعل کلام کند و در آن خبر و چیز دیگری که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حد یقین
 اسد غفاری از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که دو چیز پیش از آن

بطور آئیند و خان و جبال و دایه الارض و طلوع آفتاب از مغرب نزول عیسی علیه السلام و یا جرج و یا جرج
 و خسف یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیره عرب و آخر همه آتشی از زمین آید که مردم را بسوی محشر
 یعنی زمین شام و در روایتی و هم بادی تند و زده که مردم را در و یا افکند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و جبال و دایه الارض هر گاه ظاهر شود بعد از آن همان کافر
 و توبه مقبول نباشد و بغوی و غیره از حدیث روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علاما
 قیامت اول و خان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر
 خدیفه گفت یا رسول الله و خان چیست آنحضرت این آیه خواند **فَإِذَا تَقَبَّ يَوْمَئِذٍ السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ** مود و خان از مشرق
 تا مغرب در گیرد و چهل شب باند روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت سستی
 روی دهد از بینی و گوش و در و خان بر آید و این مسعود ازین معنی انکار کرد و در صحیح بخاری است که ابن مسعود
 گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد و قحطی بحدی شد که مردم آتخوان نچرخیدند
 و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان خان نظرمی آمد لیکن این روایت خدیفه و غیره معلوم میشود که
 و خان هم از علامات قیامت باشد و بیه قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری
 فصل قصه و جبال از رسول صلی الله علیه و سلم و در صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد و در
 بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر مرقوم باشد هر کس از مسلمانان نماند که
 باشد یا نباشد جوان باشد و زواید موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود
 اصفهان بادی باشند بر سو فساد کند چهل روز باشد یک روز برابر سال روز دوم برابر ماه و روز سوم
 برابر هفته دیگر ایام مانند سایر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال باشد ما را آنگاه
 کفایت کند فرمود نه اندازده کرده سیخو انده باشد و مثل باد تند و زمین سیه کند و جماعتی آید که من
 پروردگار شما ام با من ای جان آری آنها ایمان آرند پس آسمان را بگوید باران جاری و زمین را بگوید
 زراعت پیدا شود و مواشی آنجا فروید و شیر دار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنها را همچنان گوید

له برین نظر
 باشد در این باب
 ببار و آسمان
 در دی ظاهر که
 زد و دیگر در دومان
 را این عذاب
 در دهنده است
 و همین قائل
 است عبد الله
 ابن عباس و
 عبد الله بن عمر
 حسن بصری
 رضی الله تعالی
 عنهم اجمعین
 و بی برانی
 چهل روز نماند

آنها سخن او را در کنند پس بالهای شان پلاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانه های خود و بر
 خزانه های زمین بشود و او کند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گویند
 این شخص که براده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گویند پروردگار ما پوشیده
 گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
 نکشید پس او را حضور او برند چون مرد مومن او را به بند گوید این حال است که رسول صلی الله علیه و سلم
 از آن خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید او را بگیرند و بزنند و بگویند که ایمان من آرا گویند
 که تو مسیح دجال هستی آن زمان می کند که او را از ستر تا قدم از آزاره دو پارچه کنند و خود از میان برود
 بگذرد و پست او را بگوید که برخیز از زنده شود و برخیز پس گویند که حالا ایمان من می آری مومن گویند که حالا
 زیاده تر ترا دانستم که تو دجال هستی مومن گویند که ای مردمان حالا این چنین با کسی نخواهد کرد پست او را جال
 بگیرد و خواهد که فوج کند حق تعالی گردن او از مس که داند کار نکند پس دست و پایش گرفته بر تابد مردم
 داند که بسوی آتش بر تافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه و سلم
 فرمود که آنکسش رگه باشد و شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم
 دانند جنم است و چیزی را که جنم دانند جنت است و در روایتی از روایات مذکوره در هیچ مسلم آمده
 که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پست او را بخواند
 و او بر خاسته بیاید آن زمان بخندد و خوش شود و در همان حال عیسی علیه السلام برود دست بر
 باقی های دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرو آید در حالیکه چون سرفرو کند قطره
 از سرش افتد و چون سربالا کند از آن مثل انهای مروارید فرو ریزد و کافرا را بسوی او رسد میرود
 و دشمن رسد جاییکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب که در هیئت نزدیک است
 در یابد و او را بکشند پس مسلمانان که از دجال محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر آنها
 شفقت فرماید و بدجوات بهشت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی می کند که برادر
 این بندگان خود بندگان که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

و گفته اند آن که می
 است در هر بعضی
 گفته اند نام دجال
 از روایت بعضی
 و بعضی گفته اند
 از روایت بعضی

یا حج و اوج را فرستد که از هر بلندی بستی می آیند پس پیشروان آنها بر دریای طریقه بگذرند
 تمام آب آنرا بنوشند چون س آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس بپیرکنند
 آنها تا که رسند بمجمل خبر که کوهی است نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین بکشیم باشد که اهل آنها
 بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون بازگرداند و بی اندیشی
 علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کلاهک و نژاد آنها بهتر باشد از صد و نیا نزد شما پس
 روی آورند بپسند و یاران او بدو عالسوی خدا پس حق تعالی گرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
 بپیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یکدست بپسند و بدو بوی یا حج و اوج
 خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب آلی دعا کنند حق تعالی جانوران بفرستد که گردنهای آنها
 مثل شتران سختی باشد آنها را بر داشته چنانکه خدا خواهد بپسند از دکانهای تیرهای ترکشهای شان
 آنقدر باقیماند که تا هفت سال مسلمانان مسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از
 یا بارچه و چشم پناه از آن باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آینه پس
 بفرماید حق تعالی زمین پاک شود و رویند و برکت باز دهد پس در آن روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
 بخورد و از پوست آن سایه کند و در مویشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند
 جماعت کثیره را و گاوها و ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله خرد را
 همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر غلها بگیرد و از آن باد همه مسلمانان
 بپیرند و کفار باقیانند با هم اختلاف کنند مثل خزان برانها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال
 از مشرق بقصد مدینه آید پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته تا که
 روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که دجال
 در یابده آیات اول سوره کهعه بخواند از شر او ایمن باشد و بیستی از اهل بریره روایت کرده که
 دجال بر خراب باشد میان دو گوش آن خرفتن و باع فاصله باشد باع مقدار قد آدم است و ده
 صحیح مسلم قصه رستم داری است از آن معلوم می شود که دجال صو جود دست محمود است

در طریقه بگذرند
 تمام آب آنرا بنوشند
 آنها تا که رسند
 بکشیم پس تیر بسوی
 آسمان اندازند
 علیه السلام و یاران او
 محصور باشند
 روی آورند بپسند
 بپیرند پس عیسی و
 یاران او از طور
 خالی نیابند باز
 مثل شتران سختی
 آنقدر باقیماند
 یا بارچه و چشم
 بفرماید حق تعالی
 بخورد و از پوست
 جماعت کثیره را
 همچنین باشند
 بپیرند و کفار
 از مشرق بقصد
 روی او را بسوی
 در یابده آیات
 دجال بر خراب
 صحیح مسلم

در جزیره دریای شام یا دریای بین دو خول که و مدینه و جال را میسر نه شود
فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد
آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکسته صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشد و کسان را یعنی
حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جریه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
نصارا کبر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشوند و مان بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و
یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما فیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود
کسی بروی استی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود او را تیر الوقت بگوید که شما
اما است کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکرام این امت و این جزوی از
عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کاج کند
و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزید و با من در قبر من دفن کرده شود و در
قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر و از آنحضرت
صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
که بودن عیسی از بین چهل و پنج سال است از آنجمله سنی هشتاد و پیش از رفتن بسو آسمان و هفتاد و پیش از
فصل از ابی هریره و صحیحین و لیست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت تو را
گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد و از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
از حد کس نروند و نه گشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و تیر مسلم از ابی هریره آنست
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون ها از زرد فقره بپاشد
حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
کرده بودم و در بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

در جزیره دریای شام یا دریای بین دو خول که و مدینه و جال را میسر نه شود
فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد
آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکسته صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشد و کسان را یعنی
حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جریه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
نصارا کبر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشوند و مان بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و
یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما فیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود
کسی بروی استی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود او را تیر الوقت بگوید که شما
اما است کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکرام این امت و این جزوی از
عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کاج کند
و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزید و با من در قبر من دفن کرده شود و در
قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر و از آنحضرت
صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
که بودن عیسی از بین چهل و پنج سال است از آنجمله سنی هشتاد و پیش از رفتن بسو آسمان و هفتاد و پیش از
فصل از ابی هریره و صحیحین و لیست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت تو را
گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد و از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
از حد کس نروند و نه گشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و تیر مسلم از ابی هریره آنست
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون ها از زرد فقره بپاشد
حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
کرده بودم و در بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

از آنکه فرموده

فرموده بود

عبد الله بن عمر

عبد الله بن عمر

عبد الله بن عمر

عبد الله بن عمر

عبد الله بن عمر

عبد الله بن عمر

عبد الله بن عمر

عبد الله بن عمر

عبد الله بن عمر

نگیرد این مرد و حدیث بر از منته مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کند و آخر کار کسی قبول نکند و الله اعلم و سلم از عبده الله بن مسعود و انس و غیره روایت کرده که قیامت نخواهد شد مگر برترین خلق کسی در زمین الله اندک گوید بعد وفات عیسی مسلمانان از بادی لطیف بمیرند و مردم معرود و سکرانشناسند و شیطان تمثل شود و ببت پرستی دلالت کند و لاث و غری دزدان خاصه را پر از زمان نفخ صور شود و هر که شنود گنج کند گردن را پس بمیرند و الله اعلم نفخ اول است که از آن بمیرند و در حدیث آمده که نفخ اول نفخ فرج است که از آن نفخ اهل آسمان در زمین در فرج و دشت آیند از آن نفخ کوهها بمیرند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در انحرش آید چنانچه کشتی در دریا میل زد و مردم از غرض زمین مضطرب شوند و زمین خزان مردگان را که در زمین باشند بیرون افکند و زنان باردار اسقاط حمل کنند و بچکان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از بهول بگیرند بسوی اقطار زمین پس ملائکه رویشان را بزنند و باز گردانند و مردم بگیرند و بعضی بعضی را نکند آن زمان زمین بشکافد و آسمان مانند دوشی شود و پس بشکافد و ستارگان بریزند و شمس و قمری نور شوند این همه عذاب بر شرار خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد بعدین حال چندی باشند بستر حکم شود و اسرافیل را که باز در صور بدمد و در آن دم همه بمیرند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بمیرند تا که باقی مانند گرجبیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حکم عرش بستر حکم شود و جبرئیل و میکائیل بمیرند بستر حاملان عرش بمیرند و عرش را حکم شود و صور از اسرافیل بگیرد و اسرافیل میسر و حق تعالی بفرماید **إِنَّ الْمَلِكُ أَلَيْسَ بِكَسْبِي جَابِ دَهْنَه** نباشد خود بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا الْقَهَّارُ**

باب دوم در احوال روز بعثت و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنس نما

بعده نفخ ثانی یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرویزد و بر زمین چلند تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر ویانند چنانچه سبزه از زمین میروید چون جسد های آدمیان کامل شود چنانچه بود و حق تعالی زمینی دیگر از لقره پدید آید

له در ذریه منسی
در شرب درون
فی اقطار فکانت
در ده کالمان
یعنی آسمان را
روزی سنگ گد
مثل در و غیوه
بیش از این
له بای کسب
پادشاهی از دنیا
له بای خدای
چنانچه غالب

آسمانی دیگر از زمین پیدا کند و مردگان ازین زمین بران زمین اندازد بر پشت زمین و در شکم زمین بر
حق تعالی اول عالم ان عمرش رازنده کند پست حق تعالی اسرافیل رازنده کند و صور از عرش بگیرد و
بر لب هند پست بر جبریل و میکائیل و دیگر فرشتگان رازنده کند و ارواح را طلب نماید ارواح مومنان
بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
پس حکم خدا اسرافیل صور بداد و ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند نخل از صور برآیند و حکم الهی
بر یک روح و جسد خود داخل شود از راه بینی و زمین شکافد و مردگان از زمین برآیند رسول فرمود صلی
علیه و سلم اول کسی که از زمین برآید من ششم پست بر همه مومنان از قبور برآیند مومنان قوت بر حاشی
الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکو و کافران قوت بر حاشی
گویند یا و کنا من بعدنا من مرقدا لهذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون
هر جماعتی برآیند شود با اهل عمل خود صالحان با صالحان فاسقان با فاسقان کافران با کافران رسول
فرمود صلی الله علیه و سلم بعوث کرده شوم من روز قیامت در میان ابو بکر و عمر پس را یم بسبب
بفتح پس و م بفتح با من جمع شوند پست برآیند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس شکر کرده شود و بر علی که
نام بقره برآید ^{نام بقره برآید} چون بعوث شوند از زخمهای شان خون برآید که در رنگ شل خون و بوی نهند
بران مرده باشد شیدان چون بعوث شوند از زخمهای شان خون برآید که در رنگ شل خون و بوی نهند
مشک باشد و هر که در حج مرده بلبیه گویان بر خیزد و هر که در شراب خواری مرده دست بر خیزد و همچنین صحابه
بر عمل نیک یا بد در تخمین آمده که همه کسان بر همه غیر مختون بر خیزند اول کسی که پوشانیده شود و از بیم
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پست بر رسول کریم صلی الله علیه
سلم به بهتر از آن پست بر دیگر رسل و انبیاء پست پوشانیده شوند موفان و در بعضی احادیث آمده که مرد
در میان پارچه که مدفون شدند برآیند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه پشته
مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مدفون شوند پست بر آن پارچه دور شود و پست
گردند پست بر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
سفر نماید و لباس الثغوی ذلک خیر پست بر رسول صلی الله علیه و سلم بر براق سوار شود

له ای گمشده
عنه همیشه تائیدش
خدا ای که در راه
از اندوه و آرزو
پرو و کارها
آرزو و خوشنودن
ست و افق زمین
سایه ای دایمی با
که ختم برآیند با
از خوابگاه با این
باشند که در ده
دارد و خدای شایسته
درست گفتند
پناه بسلطان افروخته
و بلبس از کجای
و از همه شکرست

خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد
 تکلیف داده شود و کاین عمارت را بر دوش خود بردارد هرگز نکات مال نداده باشد و رویم او را با تنش و دوش
 گرم کرده او را داغ داده شود و شتران گاوان و گوسفندان را اگر نکات نداده باشد آن جانوران تا
 پنجاه هزار سال بر دوش بگذرند و او را پایال نمایند هر که حاکم باشد اگر چه برده کس حکم رانده باشد آورده شود
 او را دست او بگردنش بسته اگر گوی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی ظلم کرده باشد طوق
 بگردنش گردد و هر که از سئله سوال کرده شود و ادب سئله میداند و پوشیده دارد او را از تنش
 لگام داده شود و هر که در قرآن اخیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش لگام داده شود و اسلام و قرآن اعمال صالحه شفا
 کنند و در ثواب قاریان قرآن و در پدرشان احسانا پوشانیده شود و تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 از آتش سپر بگیرد بگوید سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله الله اکبر این الی دنیا از ابن عباس نقل
 کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت پیر زنی سفید ثواب رزق چشم که این منظر آورده شود و او را خلعت
 بینند و گفته شود که این را می شناسید مردم گویند نعم بالله من معرفة هذه گفته شود
 که این دنیا است که بدان تفاخر میکردید و با هم حسد و قطع رحم نمودید و بغض میکردید پس او را در
 دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اشیاء و پیروان من کجا هستند حکم شود که اشیاء و
 پیروان او را نیز بادی بیند از این شهر بر دوشش شود همچو روز معلومت ^{۱۲} که با که باخته عشق و شربت
 و بهمتی از عباد بن اوصاست و حمرون عبسه روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا را
 خداست آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده آتی
 با وی وصل کن و هر که قطع کرده آتی از وی قطع کن در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن آتیا
 و رحم و ایم دنیا و موت و مانند آن بر صورت اعیان میشود و بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال
 صورت های خوب و اعمال بد صورت های قبیح پیدا کنند و در میزان نهند و اصحاب کشف ثانی هم احادیث را بر صورت
 تحمل میکنند لیکن این همان بدان باید آورد و جز نم بجزی از ان تا ویلات نتوان کرد و بحث از این بنسباید نمود

اینست که در این کتاب
 از شیخ شمس الدین محمد بن
 علی بن ابی طالب
 در بیان اینست که
 در این کتاب
 از شیخ شمس الدین محمد بن
 علی بن ابی طالب

فصل در ذکر کوشش چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر آنها غالب باشد و بهتر خبر را در آن روز حوضی باشد
 هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از آن علامت است خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه
 سلم را حوضی باشد بنام کوشش یعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکما به راه باشد آب آن سفید تر از شیر و
 شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و در آن آب کوزه ها باشند مانند ستارگان
 زمین و از یاقوت و مرجان و زمره باشد و در آن در میز آب انبشت افتند و علامت است
 آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشن باشند اعضای وضو از ایشان و علی بن ابی طالب
 رضی الله عنه ساقی باشد بر کرا از آن آب و او آنکس باز تشنه نشود و بعضی علماء گویند که در روز
 بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان بر وقت
 برخاستن از قبور داد می شود و بعضی را بسبب عطشی در آن وقت آب نداده شود و بعد خلاصی از دو روز
 پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برداشتن در صوم سبب خوردن آب کوشش باشد مشرکان را
 آب کوشش نصیب نیست علماء گفته اند که اهل بیوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانع نشان
 نیز از آب کوشش محروم باشند و اهل کبار را بعد خلاصی از دو روز آب کوشش رسد
 فصل چون مردم بمشتر جمع شوند و در رخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار شفته
 و قشیکه و در رخ بر صند ساله راه از خلایق باشد و بجنبه و حمله کند بقسمی که انبیاء و ملائکه از خوف و یا
 بزرانوا افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی استی گوید حق تعالی فرماید
 اَقْلِيَا فِي مَنَ امْتِنَا لَا خَوْفٌ عَلَيَّكُمْ وَلَا هُمْ يَخْشَوْنَ سر و خواهیم کرد چشم ترا در حق است
 یا محمد و آفتاب نیک شود در آن روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود مردم در عرق
 غرق شوند بقدر گناهای شان بعضی تا شش انگشت و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علماء گفته اند
 که این از خوارق آرزوست که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه
 باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا
 و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصا لله و حسن اخلاق و صلح و رحم و مانند آن سایه عرش خدا باشد

لله در سنگ
 نیت از امت تو
 نیت از سنگ
 بر ایشان و نه
 اندر زمین شوند

کسانیکه خالصا مذل و واسطه قراست و مانند آن با هم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا
 دوست سازند در آن روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نورشان که انبیاء و شهدا از آن غمبخت کنند و کسانیکه عین
 بمردم آموزند آنها را حق تعالی بر منبرهای زیر قیما اسیم نشاند که مرصع باشد و درید و یا قوت و پوشش
 آن قیما از سندی است برقی باشد چون در آن روز مردم در عصا در عرق غرق و محسوس باشند و از
 طول انتظار آرزو کنند که از آن مقام ربانی بایند اگر چه بدین روز آینه مان شفیع طلب کنند اول از اکرم ستر از حج
 پست از ابراهیم پست از موسی پست از عیسی شفاعت خواهند کسی از آنها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه
 پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت بر خیزد و پیش عرش مجید آمده و سر بسجده نماید آنگاه
 فرشته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یا رب عده کرده بودی بمن لقب شفاعت شفاعت من
 قبول کن و در میان خلایق قضا کن حکم شود که شفاعت او قبول کردم و برای قضا می آیم رسول فرمود صلی
 علیه و سلم پس همراه مردم با تم ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان بیایدند فرود آیند در زمین از آنها شود
 از جن و انس که در زمین باشند از همه شان افزوده باشند و صف بسته بایستند پست اهل آسمان دوم
 بسیار زیاده از اهل زمین اهل آسمان اول پست اهل آسمان سوم زیاده از دو همچنین جمیع اهل آسمان افزوده
 هر یک زیاده از سابق پست حق تعالی نزول فرماید **لَا تَلْعَلُ مِنَ النّٰحَا** و مراد از نزول و آمدن
 نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانبوران حکم بقصاص میفرماید برنی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر
 انسانی عصفوری را بکشد عصفور فریاد کند یا رب این شخص مرا بی فائده کشت خورد
 به منفعت گرفت و زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی علیه و سلم زنی بسبب گریه
 در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه وا گذاشت تا از حشرات زمین بخورد و
 شتری را علف نداد آنحضرت صلی علیه و سلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت
 خواهد کرد چون قصاص جانوران کام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کا فرگوید کاشکی
 هم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلب و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید
 رسانیدم امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشمار رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیاء

و امتیازشان سوال کند کافران نکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه و سلم
 شاید است امت محمد صلی الله علیه و سلم را طلب کند اینها شهادت دهند که انبیا راست میگویند
 که شما از چه اعتقاد گویند که پیغمبر کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست
 گفتید و پیغمبر صلی الله علیه و سلم گواهی دهد بصدق امت خود و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که تشریف
 شود در قیامت اول آنکه کفار جدا کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا
 علیهم السلام عذر تعذیب آنها ظاهر کند و حجت بر دشمنان قائم کند سوم آنکه نامه اعمال هر یک بدست
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرش بشود حق تعالی بادی برگزید که نامه اعمال
 هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست کافران را در دست چپ از پشت اول
 آن باشد **أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ يَوْمَ يُنْفَخُ الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ حِيبًا** یعنی بخوان نامه اعمال خود
 کفایت میکند نفس تو بر حساب کتبه و در حد آمده که خوشی است کسی که در نامه او استغفار بسیار
 و اعضای انسان بروی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها بروی شهادت دهند از زمان
 آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دو رخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از هر کس یکی
 بهشت و نه صد و نود و نه بدو رخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن بنهند
 میزان انسان با آنچه در دست میگیرند و دو پله باشد تقسیم کند که اگر آسمانها زمینها در آن سنجیده
 گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران و میزان مطلقا وزن نباشد
يَوْمَ يُحِطُّ أَعْمَالُهُمْ در حق شان است در صحیحین از ابی هریره مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 آنکه آورده شود مروی فربه و تازه و او را بقدر پریشه وزن نباشد و این است خوانده **لَا يُقِيمُ لَهُمْ**
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنَّهُ و حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت
 او هیچ حسنه باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پله تر از زونا داده شود و سیات در پله دوم
 اگر سیات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد بخشید و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیات
 یکی حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را بهشت برتر از او بهشتی از پیش

ملک و جبرئیل
 میآید و حق تعالی
 به این کیفیت
 برای ایشان
 از قیامت
 وزن را

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون این آدم سجده شود اگر میزان او ثقیل شود
فرشته ندا کند همه خلق شنوند این شخص نیک نخت شد بد نخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او
سبک شود بگوید که این کس بد نخت شد هرگز نیک نخت نخواهد شد در احادیث آمده **سُبْحَانَ اللَّهِ**
نُصْرَتِ الْمِيزَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ پری میزان است و **كَأَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** راجع ترست از جمیع خدائیک
وَاللَّهُ أَكْبَرُ همچنین در وصاح کسینی میرد و صبر کند و در و بر رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حجت
موجب ثقل میزان اند و ذهبی از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سید
علما با خون شهیدان در قیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علمای خون شهیدان افضل باشد و ارجح
و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را در قیامت در میزان سنات کم دیده شود ناگاه مثل ابراهیم در میزان
آیند گفته شود این چیست گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از و جاری نمانده
و از ابی الدرداء مرویست که بر کرامت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون دم
بمختر جمع شوند و کفار از زمین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ برآید
خزانه دوزخ ادر یکشند و بگوید قسم بغیرت پروردگار من بگزارد مرا با ازواج من گویند ازواج کیستند
گوید هر تنگبار جانافران پس برچیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در شکم خود کند و باز چینی کند و گوید
بگزارد مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج او گوید **كُلُّ خَنَاءٍ كَفُورٍ** یعنی عهده شکن با سپاس
آنها را چینی و در شکم گرد و باز مرتبه سوّم چینی کند و گوید بگزارد مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
گوید **كُلُّ خَنَاءٍ فَخْورٍ** یعنی سجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش برآید که
آزاد چشم باشد و زبانی فصیح و بگوید که من برگزیده شده ام برای کسی که با الله عبود و دیگر گردد
و بر جبار عدا و کینه و ناحق و کسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر حد پیش از
و گیر آرمیان پیا نصدا ل و این هر جان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان
بد دوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند و قسم را گردنی از دوزخ برآید و چینیند چنانچه کبوتر را
می چیند اول آنسان باشند که کافر باشند بخدا از راه کبر و انکار و دم تقسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جبل و غفلت پستتر گفته شود که هر کس که با خدا بگیرد پستش که دست با معبود خود شود آفتاب نشانی
 پیروی آفتاب آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان
 خود داخل دوزخ گردند و گویند لَوْ كَانَهُوَ كَاِلهِ مَا وَدَّ وَهًا كَمَا يَعْنِي اِذَا بَايَعُوا بِحَقِّهِمْ
 داخل دوزخ نشدی پستتر جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیاء را تکذیب میکنند
 در صفات الهی براه جبل نیستند خیاخیه کفار یونان پستتر قسم خامس و سادسین بود و نصاری با
 در محشر نشنید باشند گفته شود چه حال دارند گویند شنیدیم ما را آب دهید گفته شود بروید
 و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید در آن افتند و بر آبی آید
 که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک شسته بصورت عیسی برای نصاری و یک شسته
 نصاری برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رسانند فقیر گویند ظاهر از یهود و
 نصاری کسیکه پستش عیسی غریز کرده در فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی غریز را
 رسول دانستند و پستش آنها کردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و سلم کافر شدند آنها
 در فرقه خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان در میان شان منافقان باشند
 حق تعالی ظهور کند و بفراید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
 و الله که ما سوائے خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پیرو در کار شما ام گویند
 که منتظریم مگر حق تعالی را بعلما که می شناسیم بینیم از زمان حق تعالی تجلی کند نهجی که از ان تعبیر فرمود
 یَوْمَ يَكْشِفُ عَنْ سَاقٍ وَيَذْجُونَ اِلَى السَّجُودِ و حکم کرده شود سجد و مومنان مخلص سجد و در دوزخ
 و منافقان را پشته ها مثل شاخ های گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجد نتوانند کرد در دوزخ
 انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده
 اول سوال کرده شود از خونریزها مقتول گوید یا رب این پرس که مرا چرگشته حق تعالی سپرد
 حال آنکه او داناترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مرتزا باشد حق تعالی فرمود
 راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و درشتگان مشایعت او کنند و بهشت را
 بجا آورند

دری که گشته است
 از ساق و دهان
 سنجیده
 سجد

دیگر قاتل گویشتم اورا تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید ملاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پست در
دیگر نظام حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر از
آب جدا کن سوال کرده شوند مردم از صحت بدن سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید سوال کرده شوند
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده ندارید خیانت در علم سخت ترست
از خیانت در مال حق تعالی از ان سوال خواهد کرد و فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
کرده خواهد شد و از ان واج و از اموال و اعمال و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر در آن نقصان بخواند بود فرائض را بنوافل چه نقصان
کرده خواهد شد پست در زکات پست و دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا برسد و بداند که اوصاف است اگر بخون آلود
اورا ثواب باشد مثل ثواب بیعت یان بهر چه نقصان کند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
از بار چه که بدان ستود عورت کند و از بار چه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه از گنجی سقری پناه
و سوال کرده خواهد شد از آنکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
خواهد فرمود هر که با دشمنان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از بادشاه
و قاضیان و حاکمان سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت از زنان که اول
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
فرشتگان را از ان گناه فراموشی دهد همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهند گان را
فراموش سازد و اگر مسکین را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پا او خلد او را موجب اجر داند و صبر
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جبر گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
اگر از حقوق الله چیزی برده او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشند و سیرت
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون بر حسنه آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

۲
ما یک جمع
مکمل فی علم

قبول کردم و بسجده رو و چون بر خواندن گناه رسد عکس شود و بر سر حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم
 باز بسجده رو و مردم از وی هیچ نه بینند مگر سجود با هم مردم گویند چه خوش است این مرد هیچ گناه
 نکرده است و نمیدانند که در میان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب میر گویند که اگر از
 عائشه روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت **اللَّهُمَّ احْسِبْ لِي حَسَابًا كَثِيرًا** چون از نماز فارغ
 گفت یا رسول الله حساب بسیار چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامه اعمال به میند و او را به
مَنْ حَقَّقَ فِي الْحِسَابِ يَا عَائِشَةُ هَلَكَ و اگر زیاده فضل فرماید عوض گناه نواب کی و در حق
 سینه فرماید **اللَّهُ سَيَبْرَأُ لَهُمْ حَسَنَاتٍ** و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله
 که مردی را در زقیامت آورده شود و صغائر گناه بر او عرض کرده شود او بدان اقرار کند و بترسد
 و از کبوتر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آنرا و بطبع ثواب گوید که را
 دیگر گناهان هم هستند که شمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه و آله و سلم ازین سخن خندید که دندان مبارک
 ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را در زقیامت نامه اعمال
 او داده شود او بالای صحیفه سیات خواند و ترسان باشد و پایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالا
 صحیفه نظر کند بجای سیات حسنات نوشته ببیند و از ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم
 روز قیامت دوست دارند که سیات بسیار میگردیم و آنها آن کسان اند که **يُؤْتِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ**
حَسَنَاتٍ در شان آنهاست و در نیتقام و توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص مجبورند در مصیبت
 آنقدر زیاده است میکشند و در جناب الهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و فتح یا حجت
 مینماید دوم آنکه کسانی که غرق در یا عشق و محبت الهی هستند در غلبه حال گاهی از آنها اعمال چنان شود
 که نیزان شرع سنجیده نمیشود مثل سماع و وجد و رهبانیه مبتدعه و ترک جمعه و جماعات در اینصورت
 کلمات سطحیه حق تعالی اینچنین اعمال را نظر عشق و محبت شان ثواب حسنات و بدو ملوئی مقرر
 میشود هر چه بر و علتی علت شود و کفر کرد کامل ملت شود و کار با کسان را قیاس از خود گوید
 گرچه ماند در نوشتن شیر و شیر را و بدل گشت و بدل شد کار او و لطف گشت و نور شد بر او را

این حساب است که
 ازین حساب آسان
 کرده اند که فحش
 ای عائشه را کردند
 بدل کردند و فحش
 گناهان ایشان را بیکبار
 بیخیالی سرودند و فحش
 آورده
 و بیکبار
 از شرع باج
 حکم که حکایتی
 حکایتی صادر شود
 و بعد از آن

و آنچه در حدیث ائمه ذر آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
 سفینش آن باشد که عوض صغار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزرگتر از پنجاه کس
 کفیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و بخشش و آنچه از حقوق عباد اگر بزرگ کسی باشد هرگز بخشیده
 بلکه حسنات مدیون بدائن ظالم مظلوم دانه شده شود و اگر حسنات او تمام شود مدیون حقوق مدیون
 بروی باقی مانند سیات دائنان مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده و از بد و زخ فرستاده شود
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نباشد که میری و دین کسی بر تو باشد و آخرت درم و دنیا زبانه
 در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیات وی نهاده شود و فرموده که اگر در او خدا گشته شود
 و باز زنده شود و باز گشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه اعمال
 گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود و دوم بابت حقوق الله حق تعالی و
 بخشیدن حق خود باک ندارد و سوم ظلم عباد و در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس
 که نماز دروزه و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و
 دیگر را خون ریخته و دیگر را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
 هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده و او را بد و زخ انداخته شود ولیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
 خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهایی داند رسول فرمود صلی الله علیه
 سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
 در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیات کند و عهدا اگر دین بر او اسرار خود کرده باشد
 البته ما خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جہاد یا برای تعفف و زکاح یا برای تکفین
 مرده فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت او ادا و حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
 تفصل کند مظلومان را با لغات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود بهشت برند
فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بجزای حساب بهشت داخل کند و ایشان را از
 حساب معجز دارد و در صحیحین از ابن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرده

بر من استهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکدمون است و با بعضی دود و با بعضی گشتی
 و با بعضی جماعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر پنجین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
 امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم آنها کسانیست که افسون نکنند و داغ نکنند و تظلم نکنند و برخدا توکل کنند عکاشه
 رضی الله عنه گفت من هم از انجماعه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
 عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره در نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار
 از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشد و سه حیثیات از
 حیثیات پروردگار و حشی چیزی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
 و غیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند و روی شان مانند ماه شب چهاردهم باشد پس
 زیاد و طلب کروم از خدا پس زیاد و کرد حق تعالی با هر کس از ان هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس در حدیث
 آمده کسانی که حمد خدا کنند در راحت و در غم داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شصت و پنج نفر
 داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابان فی
 داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانیست که کسی بر آنها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
 بدی کند ایشان بخشایند و کسی با ایشان چل کند ایشان چل نمایند و اهل صبر آنهاست
 که بطاعت خدا و از محصیت صبر کنند و متحابان فی الله آنهاست که برای خدا با همه دوستی کنند
 و بی علاقه و نیالعه ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبت صبر کند و هر که
 در حج و عمره می رود و اهل عرفان و احسان و طالبان علم دینی که فرمان بردار زوج باشد و دلش
 با والدین کسی که از فقر جامه نکر ندارد و طعام و قسم نتواند خورد و شراب و قسم ندارد و کسی
 دنیا رغبت ندارد و کسی که از خوف خدا بگریزد بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصحابی از ان
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون میرانها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

و اهل حج را ثواب داده شود و میز آنرا و اهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نماده شود و نه
 و قرا اعمال برای آنها کشاوه شود و زحمت شود بر آنها ثواب بخیر حساب تا آنکه اهل عافیت بگویند
 آنکه بدنهائی شان در دنیا بمقراضها بریده شد حق تعالی میفرماید **لَا تُكَايِفُ الْفُكَّارُ** و آنرا **أَجْرُهُمْ**
بِخَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بخیر حساب بپسرون
 کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال
 شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرم و کمترین نور کسی
 باشد که نور او در زنگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران منافقان
 نور نباشد قال الله تعالی **وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ** و در بعضی احادیث
 آمده که منافقان با هم نور باشد لیکن آن نور بر سر او منطفی شود و منافقان مومنان را بگویند که
 نظر کنید با ما هم از نور شمار روشنی گیریم مومنان گویند **لَا تَجْعَلُوا ذُرِّيَّتَكُمْ كَمَا تَقْسُوا نُورَكُمْ** یعنی
 باز گردید پس پشت خود جا نیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه
 دنیار و دنیا را بیاورید و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از آنست آنگاه مومنان را دیواری
 مثل دیوار قلعه پیش آید و در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون
 باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب و دوزخ منافقان
 مومنان را آواز دهند آیا ما بشما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن شما
 نفس خود را فرستاد یعنی کفر و مصیبت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمود
 ظاهرا در آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکس است
 که در باطن کفر دارند و بنا بر تقیه و استهزا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور ایمان
 است و ایمان قلب تعلق دارد و در احادیث که دارد شده که منافقان را نور منطفی شود
 مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد و افاض و خوارج و معتزله و مانند شان که
 نور ایمان آنها از دو بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود و نور تمام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهن
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان بلخ باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده ذکر کنند در بازار را از هر سو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سخنی از مسلمانان دور کند او را مشعل باشد از نور بر صراط که ازان مثنی پذیرد عالمی که احاطه
نکند آنها را اگر رب العزت و فرمود که پرنیز کنید از ظلم برستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت
فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ بلی باشد
که آنرا صراط گویند بار دیگر از مو تیز تر از شمشیر و بر آن پل گلوها و خارها باشد کافران و منافقان
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان ازان بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل قی
و بعضی مثل یاقوت و بعضی مثل اسب تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخوابی و وقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی
گناهان خود در دوزخ افتند و حدیث آمده که هر که واسطه شود بسو یا شاه برای حاجت برای مسلمانان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوی صدقه دهد بخوی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم سنیست پیغمبر صلی الله علیه و سلم آموزد یکچشم زدن بر صراط و دیگر نکتد و از و سبب بن نبیه مرد
داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد روتر بر صراط که باشد فرمود که سنانیکه از حکم من راضی باشد
و زبان شان بندگتر باشد و این مبارک و این ابی الدنیا از سعید بن ابی ثانی روایت کرد که صراط
روز قیامت بر بعضی مردم باریک تر از مو باشد و بر بعضی مثل دایه بین تر حق تعالی میفرماید
وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِلَّا وَاْرِدُهُمْ هَاكُنَ عَلَى رَيْكَ حَتَّى مَقْضِيَّاهُ ثُمَّ يُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا كَذُرُ
الظَّالِمِينَ فِيهَا جَنَّتِيَّاهُ یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود و دوزخ را هست این امر بر پروردگار تو
لازم حکم کرده شده بستر نجات و همیستقیان را و بگذاریم ظالمان را و در آن برزخ افتاده مراد از دوزخ چشم
همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل هشت شوند بگویند ای پر

کتاب آرد
آیه گران که بیان
آین که میگوید

و عده کرده بودی بود و دوزخ داد و دوزخ را ندیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شد
و بکسانی از یحیی بن ابراهیم روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمانان
گوید که زود بگذرای مومن که نوز تو آتش مرا سرد کرد و در حدیث آمده که هر کس از انبیا و اولاد ایشان بپوشیده
دارد دوزخ نشود و گمره گذرد و در حدیث آمده که هر کس گسبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
که تخته قسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که چون مومن
از آتش نجات یابند جسمن ده شوند بزرگی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
از بعضی در مظلالم چون ملازان پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد و دست او است که هر
از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خایم و در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار جهان صراط بر آید
قصاص با هم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص مساوی آن قصاص باشد که پیش از
صراط شده آن قصاص دخول دوزخ باشد و این قصاص بجهنم باشد از دخول جنت تا وقتیکه منتهی شود
فصل جماعتی از مسلمانان چون آتالش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
دخول جنت نتوانند کرد و قلم که میان بهشت و دوزخ باشد مجوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهکارند
که مجوس باشند حکم خدا بر سر دیدار اعراف برآمده و دوزخیان را بسیار روی و بهشتیان را بسفید روی
باشند چون بسوی این بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از
حال شان پناه جویند خدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد و قوله تعالی اَهُمْ لَکُمۡ
اَقْسَمُ لَکُمۡ لَا یَنَالُہُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَۃٍ اَدۡخُلُوۡا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَیْکُمۡ وَاَنتُمْ تَخۡشَوۡنَ
و در حدیث آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن با قریبان
باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گناهان
و چریشان خشک شود از زمان حق تعالی بر حمت خود آنها را داخل بهشت کند ازین حدیث مستفاد است

[illegible]

که از شهادت هر چند گناه آن مرزیده شوند که السیف محی الذنوب آمده اما حقوق العباد آزریده نشود
و این مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس را که حسنات او از سیئات بیک حسنه بفرزاید داخل بهشت شود
و هر که سیئات او از حسنات بیک شیئه بفرزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیئات او برابر باشد
آنها بر صراط مجبوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان و مومنان را به بهشت رساند و نور مومنان
منطقی شود و اصحاب اعراف را نور منطقی نشود لهذا طمع دخول جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
غرض که اعراف را منزله بین المزیلین نباید دانست چنانچه بعضی اهل ابواء گفته اند چرا که در اعراض خود
فصل شفاعت اگر م الرسل صلی الله علیه و سلم و دیگر انبیاء و صدیقان و شهدا و اولیا و علما و صالحان
اطفان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز و روزه و صدقه و مانند آن
حق است هر که را حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه و سلم سوره ملک را گفته هی المانع هی
الْمُنِجَةُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رهایی یابند و بعضی اوز بهشت بشفاعت درجات عالی
میرسند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من
و برادری دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب حدیث بسیار مذکور رسول صلی الله
علیه و سلم که شفاعت من باشد برای کسانی که گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم
خوب فرمود من برای بدان از امت خود مردم گفته چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در
بهشت رود و نیکان با اعمال خود روند و فرمود که شفاعت کرده بشم کرده باشم تا آنکه گویم که ای
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لا اله الا الله گفته حق تعالی فرماید قسم بحکم
و جلال من که هیچ کس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که از آن
شنیده گوید اللهم و رب هذه الدعوة الثامنة تا آخر او شفاعت من باشد

و فرموده هر که ثابت باشد بر سخی مدینه و آنجا باشد برای او شهادت و شفیع باشم
 و فرموده هر که در مدینه یا کعبه میرد او را شفاعت کنم و فرموده هر که برای زیارت
 من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هر که زیارت قبر من کند واجب باشد
 بر من شفاعت او و فرموده بسیار در دو بفرستید بر من بروی جمعه و شب جمعه هر که چنین کند او را
 شهادت باشم و شفیع و فرموده هر که ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
 و فرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که در دو بر من بسیار فرستاده باشد
 و فرموده هر که بعد نماز این دعا خواند **اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفِينَ**
حَبَّتَهُ وَفِي الْعَالِينَ حَرَّتَهُ وَفِي الْمَقَرِّينَ حَارَّةً واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
 علیه و سلم و فرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه او دم قدر
 مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه
 فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون توبه محکوم فی النار باشد و فرمود
 که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی پادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و براید یعنی اهل اهل
 مثل روانض و خواجه و مانند آنها و فرمود که جدال بگزاید جدال کننده را شفاعت من رسد یعنی آنچه
 خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کننده و شفاعت
 قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پسر شفاعت صدیقان پسر شفاعت
 و بر روایتی اول شفاعت انبیا پسر شفاعت علما پسر شفاعت شهدا پسر شفاعت مؤذنان و فرمود عالم
 و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شود و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
 از این عمر مردیست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگر چه عدد ستارگان باشند و
 فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که شهید شفاعت کند در بهشت و کس از اهل بیت خود و فرمود که حاجی که در
 چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یکم و مردی برای دویست
 نیکس روز قیامت و مردی باشد که شفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل ربهیع و مضر داخل بهشت

این دعا را بعد از نماز
 سه بار در روز
 گویان در دست
 و در بلند آن بگوید او را
 نزد گویان خانه او را
 بخشد و شفاعت کند
 در روز قیامت
 یعنی نعمت الهی را
 و اظهار برائی از شیطان

و فرمود که مردی از اهل جنت مشرف شود بر درختان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان چه مرا می شناسی
گویدی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال
کند او از آتش برآید مردی را گوید من ترا آب خور داده بودم مردی دوزخی مردی ششی را
گوید یا داری که تو مرا برای کار نمی ستادی من ترا تو کردم او شفاعت کند و رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم در تفسیر قوله **لَقَدْ قَبُولُكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ** و **يُرِيدُ هُمْ مِنْ فَضْلِهِ** مراد از
یزیدیم من فضله شفاعت است برای دوزخیان کسانی که با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرمود
که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند و ده کس
که آتش برای شان واجب باشد و فرمود و طفلان مسلمین نیز عرض شفاعت کنند و شفاعت شان
قبول شود و در حدیثی آمده هر کس سه مرتبه مرد باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته شود
که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود
شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شستن
بازداشته بودم شفاعت من قبول کن قرآن گوید که من این را از خضت بازداشته بودم و حج را
روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر او رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
لنحت گویندگان روز قیامت شاید و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
صلی الله علیه و سلم است او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت است که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده و در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید
مرومی است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون مومن از آتش برآی یابند و از صراط بگذرند در جناب
برای برادران خود که در دوزخ باشند از شفاعت مبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما ساز
روزه و حج بیکردند حکم شود که برآید هر کس را بشناسید حق تعالی آتش بر صورت های مسلمانان حرام کند
صورت های شان محال باشد پس برآید خلقی کثیر را و گویند یا رب حالا از آنها کسی مانده که امر کردی حکم

اینجا تمام حدیث است
در بیان آن و افزون
ده ایشان را از فضل خود

که باز برود و هر که در دل او بقدر دنیا را بیان باشد و برابرید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که برود
و برابرید کسی را که در دل او مثل مورچه را بیان باشد پس برانند خلقی کثیر را از دگر بکنند یا رب حال آنکه اشتیم در دوزخ
هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
و باقی مانند گمراهی را حین فیقبض قبضه من الشکاک یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد
پس برادر قومی را که گاهی هیچ عمل نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس میزند از حق تعالی آنها را در
نهری بر روی هشت آنرا نجات گویند پس ایند چنانچه دانمی روی در سیل پس برانند مثل دانه در آید
در گردنهای شان مهر باشد این هشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یک در میان دوزخ و
بهشت زوی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چیر
دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکند حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و باز گی جنت بنید مدتی خاموش ماند
باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از او عهد
که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت بر مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند و خون شست راح حق تعالی فرماید که
عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید آئی مرا بخت ترین خلق من در کار کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به
و بفرماید که آرزو کن آرزو کند تا که منقطع شود آرزو او حکم شود که آنچه آرزو کردی ترا باشد و ده چند زیاده از
فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که رحمت راح حق تعالی صد حصه کرده یک حصه در جمیع خلایق تقسیم کرده
و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا آنقدر رحمت خواهد
که ابلیس اسید و ارشود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن علماء را باشد حق تعالی میفرماید **ثُمَّ أَفْرَأْتُمْ**
الْكِتَابَ الَّذِي نَزَّلْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَنَزَّلْنَاهُمْ ظَالِمِينَ لِكُنْفُسِهِمْ وَهُمْ مُّقْتَصِدُونَ وَمَنْ
سَاءَ مَا يَحْكُمُ بِآيَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
یعنی بعد انبیا و اهل بیت و اهل کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان خود و پس بغضی از آنها ظالم باشند
بر نفس خود و بگناهان بعضی از آنها میانه رو باشند و بعضی از آنها سبقت کنند باشند بیکبها با و از خدا
همین است فضل بزرگ شهادتی مشک را داخل شوند که نمره داران جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم

در هر کس که
سین از کس
در حق شهادت
نموده
و در هر کس
که بجا باشد
این نظر از صفت
دو صفت است
از دوزخ انداز
توبه نیست و
لفظ است با و
مخلوقان دنیا
من اساکر
من ذهاب
و در هر کس
که با هم
چراغ

لحمه سبائین
خدای را که مردار را
انده را پیش
مردودگار بیاورد
شده و قدرش است

سابقان داخل بهشت شوند یعنی حساب و میزان روان حساب بسیر شود و ظالمان در بطول عمر مجبور باشند به ستر حجت
آنها را تلقین کند بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي آذَیْنَاكَ** **إِنْ دُخِلَ الْغَفُورُ** **وَرَحْمَتُ اللَّهِ**
و فرمود که حق تعالی علما را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه را ده مغفرت میدادم برای شما بر هر چه گناه کرده بودید
فانده بهترین مسلمانان نزد خداست و فرقی اندر شما که جان خود را در راه خدا بذل کردند و دوم علما که عقل
و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود را در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
که نیت خالص باشد و اگر نه اول بدو نرخ روند مسلم از ارباب بریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جوی و شجاع گویند
پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بدو نرخ اندازند و دوم عالم که حق تعالی نعمتها باو داده پس بد که چه
عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
گفتی بلکه تعلیم و تعلیم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بدو نرخ انداخته شود سوم
مردی که او را حق تعالی مال داده او هر نصف مال مردم بخشیده چون نعمتها باو داده از او پرسید
چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر نصف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم
مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بدو نرخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصه است
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** عمل معتبر نیست مگر به نیت
فصل الْإِيمَانُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالرَّجَاءِ ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا ایگو که بر عمل خود تکیه کنند اگر
بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی توان برآمد بگویند که گناهان
که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را نمی بخشم و باک ندارم و بطرانی باز و الله بن اسحق روایت کرد
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از او گوید چه میخواهی
اگر خواهی حساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید آلهی تو داناتر می من گناهی نکرده ام نگاهم

ع ایمان و نیت
چرا حساب است

اول شان چشم است و آن عذاب کبر است بر آنگه گاران این است پست تر از آن نظمی از آن پست سحر
 از آن پست حکم زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر و بیست و نه تنافقان در کرب اسفل باشند از دوزخ مسلمانان
 را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرید است که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
 و دوزخ با هم چید گفته شود که چه حال است دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
 بگذارند بهستی روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم نمی گفت تا که تبارک و تحسین سجده
 نمی خواند و فرمود که حشر هفت اند و درای جنم هم هفت اند حشر سجده از آن روز قیامت
 بر روی از درای جنم بایستد و بگوید که آنی داخل نشود ازین در که یکم یا من ایمان شست و مرا می خواند
 فصل موکلان جنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جنم مخلوق شدند
 و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک از آن آفتاب است که در میان دو شانه و صد ساله را است
 در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک از آن گزشت و مالک را انگشتانست بعد و همه دوزخیان
 کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قوی گفته نوزده مرد و مرد و موکلان
 جنم بشمارند و ویل و اوست و جنم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود پیش از آنکه در قعر او رسد و در وی
 که در وی دم دوزخیان جاریست و صعود و کوب است و در جنم در میفتاد سان جنمی با آنها آن رسد و باز از آنجا
 فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود و کوب است که اگر مردی است رسد که از شود و چون دست برد
 باز دست درست بشود و همچنان فرو رود صلی الله علیه و سلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جنم انداخته شود
 تا هفتاد سال پایین او رسد و در نهایت آن غمی است و اتمام آن هر دو نفر اند از یم دوزخیان و موبقی
 و او می عمیق است روز قیامت فاصل باشد در میان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین است که دوزخ شکایت
 کرده بتبوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من را خورده حکم شده او را بدو دم
 می بسردی که از سوزی او در دنیا سر می شود و می گری که اگر گرمی او در دنیا گرما می شود
 فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس گداخته شده شدید الحرارة و سبب بن پیرهنها
 اهل دوزخ را پوشاک باشد و برنگی برای شان بهتر است از پوشاک حیات باشد و موت برای شان بهتر است

بایع مقدار کشتگی
از دست او

انجات و برآی دوزخیان نمیش باشد و لحافها از آتش دوزخیان نیز بخیر باشند که هفتاد و گز طول آن بخیر باشد
برگز از این هفتاد و بایع مقدار باین که و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود و بیک حلقه نیز بخیر دوزخیان است
آن نیز بخیر از دوزخها داخل کرده و از دهن برآورده بر کوه پیچیده شود و جسم بالای سر کافر ریخته شود پس بر شکم
و فروریزد و آنچه در شکم باشد در قدش باز بچنان درست شود و باز جیمیم است شود و طعام دوزخیان قوم
باشد اگر قطره اذان در دریا افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند ز قوم درختی باشد از شدت گر سنگی آدمی
از وی بزدان گیرد آن درخت از آدمی همان قدر گیرنده گیرد و نیز طعام دوزخی ضریح باشد رسول فرمود صلی
علیه و سلم ضریح چیست در دوزخ مشبه خار تلخ تر از صبر و بدتر از حیفه و گرم تر از آتش و قستیکه بخورد
صاحب او نه در شکم فرورد و نه از دهن برآید و گویا باشد نه فریاد کند و نه گر سنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان جیمیم باشد یعنی آب در غایت گرمی و خساق یعنی آب سرد
موسوی و غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو خساق در دنیا افتد تمام دنیا بدو شود و از آن
مروست که خساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهر مای تمام جانوران زهر دار باشد ایشان را
در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آفرایشل یار چه بکشد ترندی
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم گر سنگی بر کافر غالب کرده شود و محدی که
برای همه غذاها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلوبسته شود پس با و کنند که دنیا
از آب طعام را از گلو فرو می بردند و زیاد کنند آب خواهند پس جیمیم بگو بای آهنی زرد و مای شان کرده شود
از گرمی آب روی شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از احساس قطع کند آنگاه خازنان
دوزخ را گویند و عاکنید از پروردگار که کی و از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گرابی یعنی ناقبول است مالک
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را ببرد مالک بعد از اسالی جواب داد که شما همیشه در عذاب هستید
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بختی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برار اگر
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب داد ای شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گرابی یعنی ناقبول است مالک

کتاب آتشی که بر سر
آین آدم بکشد

در زیر و حسرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
 پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و بار و زنده کردی ما را و بار اقرار کردیم بگناهای
 خود آیا ما را باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب و بد حق تعالی این عذاب از انست که چون مرد
 توحید میکردند شما اعتقاد بشکر میکردید و شرک میکردید پس حکم مر خدا راست نه دیگری را باز ندا
 کنند آنگاه ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بد دنیا بفرست تا عمل کنیم بیکو جواب یا بنده بچشید این عذاب را
 شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه سبب اعمال خود باز
 گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا زنا قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیری کنیم رسولان را
 جواب و بد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شمار زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ باز
 عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شمار در دنیا تقدیر کردیم دیگران در آن عمرند
 پذیرفتند و آمدند نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا اینچنین شید عذاب لمان را کسی مددگار نیست
 باز گویند ای پروردگار ما را بختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما را برابر پس اگر باز کفر کنیم ظالم
 باشیم آنگاه جواب او شوند یا خستنی و کافران باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 که در دوزخ ما را باشند مانند گردنهای شتر بختی و کثرت دما باشد خرد ترشان مثل خیمه هرگاه میش
 رنج او تا چهل سال باقی ماند در روایتی آمده که نیش کثرت و دما مثل درخت طویل از خرابا باشد مسلم از ابی
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بدن کافر از تقدیر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
 و پیری پوست او مسافت سه مرحله راه و در روایتی آمده که مقعد او از مکة تا مدینه و در حدیثی آمده که تپان
 نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خورد تا که رسد بر دل او باز بدش
 و رست شود باز همچنان کند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخت شود
 و باز در رست گردد و عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم و بروایتی در ساعت
 صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بروایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روز
 هفتاد هزار بار و جمیع روایات بتعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

غنی باشد که
 در میان بندگان
 و دعا اهل دوزخ
 آمده است

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود باستقامت کسر جمع این دو روایت میشود
 و از خدیفه روایت که در جنم درندگان و سگان و گله‌ها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
 کلاسیب قطع کنند و از آن شمشیر و عضو جدا کرده پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی
 را بریند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آتشیان کند که لب بالا
 کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین و هشت تا نایف رسد این عباس در تفسیر قوله تعالی **فَلْيَحْضَرُوا**
فَلْيَلَاؤُكُمُ الْكَلْبُ میفرماید که دنیا قلیل است در دنیا هر قدر خواهی بخند چون دنیا منقطع شود
 گریه‌شان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود و از آن
 خون بگریزند و در رویهایشان خند قما شوند که اگر گشتیها در آن بگذرانند جاری شوند و فرموده که دوزخیان
 مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی ریم گریزند پس خانان جنم گویند ای بدبخشان شما در دنیا نگرستید حال که
 فریاد رس دارید از زمان از اقربای خود که هشتیان باشندند اکنون ای جماعه پدران و مادران فرزندان
 برآمده ایم از قبور تشنه و در طعل موقوف تشنه مانیم و الحال تشنه ایم بریزید بر آب یا آنچه خدا البشما
 داده است بعد چهل سال از انجا جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است و دوزخیان
 در دوزخ زفر و شقیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر و عذاب
 کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که از آن دماغ او جوشد چنانچه دیگر سجوشد و اندک کسی از من در
 عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است و عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم پرسید
 که ابوطالب حمایت تو میکرد و او را چیزی نفخ کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش است
 اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود و ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد
 با کمتر از آن در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین است از آتش که از آن دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهکاران از مستندین

رسول فرمود صلی الله علیه و سلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی زندگی راحت و نه مرده باشند

سید باب که خند
 مستندین

و بعضی کسان آتش سیدین میزدن و شل انگشت ششوند پس حکم شود بشاعت آنها پس آنها را بر آتش
 نهاده است انداخته شود و این شست را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها شل سیزده برودند و در حد
 آمده که گرمی و زنج بر است من تا نگر می حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی در خیابان آتش
 تا شش انگشت باشد بعضی تا نازانو و بعضی را تا سینه و بعضی را با حلق و بعضی را تا سر فرموده زن آنرا که شیار
 اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگویی و کفر انعامت شوهران میکنند و نیز در حق
 فرموده که آنها را بر عطا شکر میکنند و بر بلا صبر میکنند و فرمود که مردی را آورد و زنج انداخته شو پس مرد آنرا
 پس او آتش کردش کند چنانچه نگر و آسیا میگردد و در خیابان جمع شوند و بگویند ای خلاق حالت ترا تو مارا
 امر معروف دینی از منکر میگویی گوید که من شایا امر معروف میگردم و خود آن کار نمی گردم و منی از
 شکر میگردم و خود در تکلیف آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم نمیداند کرد
 طلب علم کرد و مرد عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانی جلدی کنند و عذاب قاریان پیش از
 عذاب بت پرستان آنها گویند که شما و عذاب با جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
 عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاوه یا گوشواره یا دست بند از زر و نقره
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که قلاوه و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنا
 منسوخ گفته اند تا ما و این میکنند بعد از آنکه از کلمات و فرموده هر که در طرف تریا نقره آب خورده آتش
 دوزخ و شکر او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر که اگر زبان جبهه بر حریر باشد و اطوق از آتش باشد
 و همچنین شکر فرموده هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دوزخ گره
 و متوالی که سخن کسی را گوش دهد و او بشنیدن او راضی نباشد و گوش او سرب گذاشته نخته شود
 و در قیامت و هر که در رستندی روح سائر و تکلیف داده شود که در آن روح داخل کنند و هر که علم را
 پیشه کند و او را کلام از آتش داده شود و هر که دوزبان باشد در دنیا یعنی روبرو شخصی اوصی میگردد
 و غایب از وضعی دیگر او را دوزبان باشد از آتش روز قیامت و هر که را در وضو یا شستن خشک باشد
 یا شسته او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در وضو و انگشتان خلال کنید تا آتش

در میان شان نیاید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که از بلندای خود را انداخته و در
 همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هر که زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که
 آب بن خود را کشت همیشه آهبن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل مدینه را
 بدین خواهی در آتش گدازد چنانچه قلعی گداخته میشود و هر که غیبت کسی کند گفته شود که خور گوشت او در جاست
 مردکی چنانچه خور دی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار ریخ کشد در حدیثی آمده که چهار کس
 باشند که در جحیم و جحیم بگردند و دین گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را اینکار
 زیاده از ایندای نفس خود و او را گویند ای بعد تو ما را اینکار دی زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم برگرد
 او باشد و او انشود او معلق باشد در تابوت از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بیچاره و بدن پرست
 او اسعاسه خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن مردم لذت گیرد از دمان او ریسم جاری باشد چهارم آنکه
 غیبت نماید و همیشه گوشت خود بخورد و از قیصورین نازان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع
 و در خیانت سازی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که فرجهای زانیان ایضا و منتهای
 را از بد بونی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر کس که حق تعالی بر خود لازم گرفته است
 آنکه هر که مسکین خورده او را نوشاند حق تعالی طینت خجال فرمود یعنی افشوده و در خیانت در حدیثی آمده
 که هر که خمر نوشد خدا او را جحیم نسیم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که مدینه بجزر نگاه خوابگاه نیست
 واجبست بر است من گرامی کردن اهل مدینه را تا که پشیزند از کبائر کسی که چنین کند او را حق تعالی
 طینت خجال نوشاند و فرمود هر که در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن بر فحشاء
 کند تا که بر آید از آن قول و بر بخوابد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گر را و صفت کرده بر جانب همین
 دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان فرموده که بیاد
 ظالمان گمان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که سخت تر عذاب تصور
 باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیاء را دشنام دهد و بدست کسی
 که اصحاب را دشنام دهد بدست کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی باشد

له آنکه تصور
 زی روح کشنده

اکبری را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مستوران او فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
 کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکنند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بهشت
 حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوبی بهشت بینند حکم کند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازد
 پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
 داخل دوزخ میکردی بهتری بود حق تعالی فرماید که همین خجاستم که شما را حسرت و هم شهادت خلوت
 گناهان عظیم میکردید و محصور مردم برخلاف آن میکردید از مردم بهیبت میکردید و از من بهیبت نمیکردید و مرا
 تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امر و زمری چنانست که شما را
 عذاب الیم محروم داشتیم شما را از ثواب فرموده که برای ستمکاران بامردم دری بسوزنی بهشت
 کشاده شود و گفته شود یکی را از آنها برای خیر فوج از دوزخ و او باکر و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
 بند کرده شود همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود و گفته شود که بیا ازنا امید می نیاید
 و در حق چند کس در احادیث وارد شده **قُلْتُ بَنُو امِّ قَعْدَةَ** یعنی باید که خانه خود در دوزخ
 سازد و کسی که بر بغیر صلی الله علیه و سلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسی که شهادت
 دروغ دهد و کسی که قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسی که دوست دارد آنکه مردم پیش او ستم
 باشند و در حدیث وارد شده که گناهکاران سوا امت محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شوند
 و دمای شان سیاه شود و قیدهای پنی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهکاران امت محمد صلی الله
 و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند و دمای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
 مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من وارد نشده است شما از کدام است هستید گویند ما از امت قرآن
 هستیم از امیر المؤمنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما روایت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اینها
 از موصدان که بدون توبه مرده باشند بگردانند داخل دوزخ شود چشمهای شان از ترق نشود و در دمای
 شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک نجیر نگردند و شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نگردند و شوند و جیم نخورند
 شوند و قطران پو شانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتها سیاهی شان آتش حرام کرده بسبب سجده

بعضی آنها را آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پا باشند و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن
 بقدر گناهان شان بعضی از آنها یک ساعت و بعضی یک روز یعنی بقدر یک روز دنیا و بعضی یک ماه و بعضی یک سال
 در دوزخ باشند بعد از آن از آن خارج کرده شوند و در از مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشند
 فصل چون خواهد که حق تعالی آنها را از دوزخ برارد و دیو و نزاری و بت پرستان و غیره اهل دوزخ
 باطله مومنان را گویند که ما شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید
 و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که در میان صراط هشت است بیفکنند پس آنها مانند سبزه برون
 پستری داخل هشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بعد مدتی آن نوشته می شود
 پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز در می دوزخ بر کسانی که باقی ماندند یعنی کفار بنده کنند و می چکانند
 بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که خشش کند الله تعالی بر دوزقیان
 بر کسانی که عمل نیک گاهی نکرده اند پس برادر آنها را از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل هشت کنند
 خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و برادر از ابن عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که باد آید
 آنرا در حرکت درارد و کسی در آن نباشد شیخ محی الدین عزلی از یحیی بن موقوف میگوید که بعد مدتهای مدتی
 در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها گشت طویل است لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع
 و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جامی عاصیان مومنان که طبقه علیاست از دوزخ خالی شود
 و کسی از موحدان در آن نماند بطرفانی از آتش از جابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتی که خدا خواهد پستری عار دهند آنها را کفار که
 شما را تصدیق رسول بپس حق تعالی بفرماید که برانند هر که باشد مسلمان آن زمان کافران
 آرزو کنند که کاشکی مسلمان بود می آنحضرت این آیت خواند **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا كُفِّرُوا كُفْرًا**
مُسْلِمِينَ حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گوید و بر همین اعتقاد بماند البته داخل هشت شود ابو ذر گفت که اگر چه زنا
 کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگر چه زنا و سرقه کرده باشد باز او در همان گفته باز آنحضرت

یعنی این مردم
 دوزخی اند که از او
 کرده شده
 چنانچه اند
 صاحب موقوف
 از گویند که اوصاف
 روایت باشند
 این حدیث را
 علیه و سلم گفته باشد
 صحیح باشد
 که دوست خوانند
 داشت که قرآن
 که کاشکی مسلمان بود

در خاک آلوده شدن
پیشانی و کلاه از قضا
ای دلیل پنج
این جهان را

همان فرموده و در مرتبه سوم گفته علی که تخم آفت آبی خیزد و فرموده هر که میرد در حالیکه شرک
نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که میرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث درین باب
بسیار اند زیاده از حد تواند و در بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و بر اهل بیت
صلی الله علیه و سلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبد و خلود در دوزخ
بر وی نیست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهکاران از مسلمین وارد شده و آنچه این جهان از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روز
از دوزخش از آن انچه او را رسد و ترمی و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم
حق تعالی بفرماید که از آتش بر آید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جانش از من نرسیده باشد
فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون هشتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار
در دوزخ مانند استاده شود بانگ مینهد در میان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست
و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در انچه است همیشه باشد و هم در صحیحین از ابن عمر و ابی سعید
خدری که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قتی که همه هشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ
مانند موت را بصورت کبش سیاه در میان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت
و ای اهل دوزخ موت را میشناسید هر یک گردن دراز کند و بیند و گوید آری این موت است پس او را
فوج کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلوت و ای اهل دوزخ خلوت موت نباشد رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید و سنگریزه دنیا بر این خوش شوند و اگر
اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید و سنگریزه دنیا بر این غمگین شوند لیکن بر آنها خلوت است ابد
از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ محلد باشد آنها را دهنده و قهای آهنی کرده در آن
میخامای آهنی زده و آن دهنده و قمارا دهنده و قهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین دوزخ پس هر یک
از آنها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را دهنده و قهای آهنی کرده
در درک اسفل دوزخ در تنور با تنگ ترا میخ که کوفته شود و تیره کرده شود از اجب الحزن گویند

در کتب
پایه زین
جواب این
چهار

باب پنجم در صفت جنت و در دخول بهشت و نعمتهای

دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در تحمیل این عایشه صدیقه مدیست که رسول فرمود
علیه وسلم حکم گیرید کار خود را و نزدیک جویید بخدا و خوش باشید بدستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را
عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا اگر آنکه بپوشد مرا حق تعالی مغفرت و رحمت خود و در
صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص
کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا اگر رحمت از خدا ایچنین در احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل میشود
بقوله تعالی ادخلوا الجنة بما كنتم تكملون یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود و جواب میشود
بدانکه اصل دخول جنت دخول در این بفضل خداست چرا که خلوه غیر متناهیست و اعمال متناهیست و
تفاوت درجات جنت بسبب اعمال است تنها و از این مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم
از صراط عفو خدا و داخل بهشت خواهند شد بر رحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را و بهشت را
خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقرندگان را بر رحمت خود قبول فرموده و برای اعمال محقر
متناهی را دخول جنت ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از آن اگر گفته شود که دخول جنت جز برای عا
گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت بر رحمت خداست هم گنجایش دارد طبرانی و بیهقی از سلمان
فارس از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود دخول جنت چینی از حضور عنایت شود یا این عبا
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِّنْ اللَّهِ الْغَيْزِ الْحَكِيمِ فُلَانٌ إِدْخُلُوهُ جَنَّةً
عَالِيَةً تَطْلُقُ فِيهَا آيَةٌ ^{لفظ نهی} یعنی این خط از الله عزیز حکیم است بر فُلَانٌ او را داخل کنید بهشت عالی
که نمره آن نزدیک است و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سلام علیکم طیبتر
فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ هُوَ اَبَدٌ زُرْتُمْ بَابَهُ بَابُهُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ
عَبْدُ اللَّهِ الْكَافِرُ بِشَيْئَانِ كُوفِرَ بِاللَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْفَرْنَا الْأَرْضَ نَبِيًّا
مِّنَ الْجَنَّةِ نَشَاءُ كُوفِرَ بِاللَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلًا بِالْحَقِّ وَكَانَ اللَّهُ الَّذِي ذُكِرَ عَنْهَا
 الْكُفْرَانُ أَنْ تَكْفُرُوا لَكُمْ شُكُوكُكُمْ وَجَوْنُكُمْ دَخَلَ بِهَيْبَتِ شَانِ بَادَتْ جَرَاهِي شَانِ
 فصل در صفت جنت و عدد آن حق تعالی در قرآن میفرماید وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ
 وَبَارِئُ مَوْدُودٍ وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتُ بَابِ عِشْرَةٍ كُنْزُهَا كُنْزُهَا كُنْزُهَا كُنْزُهَا كُنْزُهَا
 برای آنها دوازده درخت است و پایین آن از آنها دوازده درخت دیگر اند در صحیحین و غیره از ابی موسی اشعری مروی است
 که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بهشت چهار اند و از نقره است عمارتها و آنچه در بهشت از نقره است
 و دوازده درخت عمارتها و آنچه در بهشت از نقره است و بهشت در میان قوم و رویت خدا مگر پرده که بر بهشت
 عدن و بهشت از برای باقیین است و در بهشت نقره برای تابیین است و در روایتی برای صحابین
 و طبعی گفت بعضی علما گفته اند جنت هفت اند و از الجلال دار السلام و از الخلد جنت عدن
 جنت المادوی جنت نعیم و فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی سلمه است
 و از سیاق سوره حن مستفاد میشود و این همه نامها هر چهار بهشت است و در بهشت در جاد
 منازل بشمار اند و صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر کایمان آورد بخدا
 و رسول او صلی الله علیه و سلم نماز گزارد و زکات دهد و روزه رمضان گزارد و حق است بر خدا که او را داخل
 بهشت کند در راه خدا جاد کند یا در خانه خودش نشسته باشد یعنی ذایض ادا کند و جهاد فرض عین نیست غالباً
 مردم گفتند یا رسول الله خبر نمیدی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که همی که در بهشت حق تعالی
 آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت است که در میان آسمان و زمین
 پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت است و بالای آن عرش رحمت است و
 از آنجا نماند بیشت میشکافد ازین حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله است
 و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباد بن الصامت
 رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه باشد
 تفاوت آسمان و زمین است و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد ازین احادیث درجه مجاهدین باشد

از آنکه راه
 نمودی ما را خدا بفرماید
 آمدن فرستادگان
 پروردگار را بپایستی
 بهر دست نایش
 خدای را بپایستی
 از آنکه راه
 نمودی ما را خدا بفرماید
 آمدن فرستادگان
 پروردگار را بپایستی
 بهر دست نایش
 خدای را بپایستی
 از آنکه راه
 نمودی ما را خدا بفرماید
 آمدن فرستادگان
 پروردگار را بپایستی
 بهر دست نایش
 خدای را بپایستی

اولاد آنها بایمان یعنی آنها من هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از محل شان چیزی کم نکنیم
 آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجه او رساند برای هر دوی چشم او
 و در حدیثی آمده که چون مرد داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود پرسیده گفته شود که آنها چه
 توصیفه اند مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
 پس امر شود بالحق آنها و فرموده که هر که بلند سی درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر وی ظلم کرده
 و بدید کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هر که برساند بسوی پادشاه
 برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدایات او بلند کند و فرموده که هر که کمانت کند یا فال از پرنده
 گیرد و از سفر باز ماند بدرجات بلند نرسد و اگر بهیم گنجی گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
 حظ بردارد در آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده
الطَّاعِمُ الشَّارِكُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ این عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجه غلام
 بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این را خدا بیشتر از تو کرده و پیرانی از
 ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کند که من نسب مقرر کرده ام
 و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اگر م ساختم و شما این غنی را پسندیدید گفتید که فلان بن فلان از فلان
 بن فلان تهرست امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
 مرتبه متقیان بقدر تقوی بلند شود در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه
 غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبه صحیح بر مریض و حر بر مملوک و
 غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما با هم در راه تو هم
 بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چرا فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است
 و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیاده ای کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شد
 فقیر گوید که الهی اگر ما مال میدادیم من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر ما صحیح و حر میکردیم
 عمل میکردم حق تعالی را که راست گفته اید پس فقیر را بر غنی مریض را بر صحیح و مملوک را بر حر و نیک را بر بد خلق
 برتر است

در حدیثی آمده که هر که در دنیا از طعام یا شراب حظ بردارد در آخرت درجه او کم شود

فصل بیست و هشت در دوازده باشد نمازبان را از باب الصلوة و صائم را از باب الصوم
 و صدقه دهندگان را از باب الصدقة و عبادان را از باب العباد و طلبیده شود ابو بکر گفته یا رسول الله
 از هر دری که طلبیده شود خوبت لیکن کسی باشد که از همه دروازه ها و از طلبیده شود فرمود یا سلام
 که تو از آن مردم باشی قرطبی گفته از همه در باب طلبیدن بنا بر اکرام است در حدیثی آمده که انسان هر
 عمل که بشیر کند بهمان در طلبیده شود در حدیث آمده که هر که بعد وضو تشهد کند لا اله الا الله و لا شریک له
 و تشهد کند الحمد لله و لا شریک له و لا اله الا الله و لا شریک له و لا اله الا الله و لا شریک له
 از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه در روزه رمضان کند در رکعات و در وقت
 پرین و هشت دروازه هشت برای او گشاده شود و تبارک و تعالی دروازه هشت
 دارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب بدو گرسنه را
 از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی
 چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی او را دو دختر یا دو پسر یا دو غنمه باشد آنها را پرورش کند
 فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دیوارهای هشت را خشتی از زر و خشتی از نقره بجای گل
 شک باشد و سنگریزه های آن مروارید و یاقوت و خاک آن عقیان هر که داخل هشت شود همیشه
 خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نیر و بار چو او گمته نشود و جوانی او را ازل نگردد و نه های هشت
 در غار زوند بالای زمین روند در میان و بازوی دروازه هشت چهل ساله راه باشد روزی خیابان حمام
 شود که مردم بپلوه بپلوزند و تنگ باشند و در صحیحین است که داخل هشت شوند از امت مینفتادند
 یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته رؤشانانند از هشت چهاردهم باشد
 فصل در هشت غرنا باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن آن از ظاهر آن از باطن آن از ظاهر آن از باطن آن
 اهل هشت اهل غرنا را بیند بالاسی خود چنانچه ستاره و در دافق مشرق یا مغرب دیده شود برای
 تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا نرسند
 فرمود قسم خدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و قصد این کرده باشند

در باب طلبیدن
 برای عبادان
 و صدقه دهندگان
 و نمازبانان

در باب طلبیدن
 برای عبادان
 و صدقه دهندگان
 و نمازبانان

در حدیثی آمده که غر فاما برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنویسند و مردم را طعام خوانند و شها
 نماز گزارند و حالیکه مردم خفته باشند در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روز
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و جواب سلام گوید و گویا
 انشای سلام کرده و کسیکه این عمل خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
 و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر جماعت خواند و نماز
 و شب و حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و مرا که گفت یا رسول
 که اطاعت است که انشای سلام و طعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس ینبأهم صل آنکه
 اگر زیاد طاعت نباشد این قدر هم کافی است اگر فضل آتی حاصل است و در حدیثی آمده که حق تعالی غر فاما
 بشت میا کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقات نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا
 در حدیثی آمده که غر فاما بشت رانه علاقه باشد از فوق و دستون باشند از تحت مردم گفتند
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسند باشند آن غر فاما صاحب بیمار یا صاحب دیوانه
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین چکیده فی جمات عدت
 پرسید شد فرمود قصر باشد از هر در این قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره
 باشد از هر در و سیزده حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد زنگارنگ بر فرش زنج
 از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان
 قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و احادیث اعمال صالحه که سبب ثباتی خانه
 و بیشتر باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله نیک کردن مسجد و مواظبت بر سنن و راتب نماز صحی
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه
 روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
 بازار گوید اللهم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و له الحمد و لا اله الا الله
 و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و علی الخیر قد نوشته شود بر او هزار در هزار حسنه

در حدیثی آمده که غر فاما برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنویسند و مردم را طعام خوانند و شها
 نماز گزارند و حالیکه مردم خفته باشند در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روز
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و جواب سلام گوید و گویا
 انشای سلام کرده و کسیکه این عمل خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
 و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر جماعت خواند و نماز
 و شب و حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و مرا که گفت یا رسول
 که اطاعت است که انشای سلام و طعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس ینبأهم صل آنکه
 اگر زیاد طاعت نباشد این قدر هم کافی است اگر فضل آتی حاصل است و در حدیثی آمده که حق تعالی غر فاما
 بشت میا کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقات نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا
 در حدیثی آمده که غر فاما بشت رانه علاقه باشد از فوق و دستون باشند از تحت مردم گفتند
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسند باشند آن غر فاما صاحب بیمار یا صاحب دیوانه
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین چکیده فی جمات عدت
 پرسید شد فرمود قصر باشد از هر در این قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره
 باشد از هر در و سیزده حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد زنگارنگ بر فرش زنج
 از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان
 قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و احادیث اعمال صالحه که سبب ثباتی خانه
 و بیشتر باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله نیک کردن مسجد و مواظبت بر سنن و راتب نماز صحی
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه
 روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
 بازار گوید اللهم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و له الحمد و لا اله الا الله
 و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و علی الخیر قد نوشته شود بر او هزار در هزار حسنه

اعمال صالحه که سبب ثباتی خانه و بیشتر باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله نیک کردن مسجد و مواظبت بر سنن و راتب نماز صحی و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن بازار گوید اللهم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و له الحمد و لا اله الا الله و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و علی الخیر قد نوشته شود بر او هزار در هزار حسنه

دو در کرده شود از آن هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه و بهشت و آن حضرت فرموده که هر که ده بار سورۃ اعلیٰ
خواند یک خانه برای او بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا
رسول الله در این صورت بسیار خانه و بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ تر است طبرانی از حکیم بن محمد
روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا و بهشت میشود چون شخص از ذکر بپزد میشود از بنا کردن بند میشود
پس گفته شود آنرا که چرا باز ماند از بنا گویند تا که بار نفقه رسد و همچنین ابن علی بن ابی نعیم روایت کرده و
در حدیثی آمده هر که این سوره را صبر کرد و حمد گفت **وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِمْ رَاجِعُونَ** گفت حکم شود که بنا کنند
برای بنده من خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال چیزی
بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت و فرمود هر که در و غلوی ترک کند خانه او
و بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال و او محقق باشد بنا کند خدا برای او خانه و در بیان بهشت و هر که
خلق حسن باشد در اعلیٰ بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار سجده شود
و خانه و بهشت بنا شود از یا قوت سترج و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او و بهشت بنا شود
فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی
پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که در حق کسی را
او را بوی بهشت نرسد و همچنین دارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که
خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که
خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زن نکند و کسیکه تنگبار از از خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب
سیاه کند و فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مرد و در دل او مقدار
دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند
فصل در صحیحین از ابی هریره روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خان بهشت آنجا
باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و ترمذی از اسامه بنت ابی بکر آن حضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در ذکر سدرۃ المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد بار

در حدیثی آمده هر که این سوره را صبر کرد و حمد گفت حکم شود که بنا کنند برای بنده من خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال چیزی بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار سجده شود و خانه و بهشت بنا شود از یا قوت سترج و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او و بهشت بنا شود

در حدیثی آمده هر که این سوره را صبر کرد و حمد گفت حکم شود که بنا کنند برای بنده من خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال چیزی بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار سجده شود و خانه و بهشت بنا شود از یا قوت سترج و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او و بهشت بنا شود

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر بر دید و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید
 یَحْمِلُهَا تَحْمِيْلًا كَيْفِيًّا اِنْ هِيَ مِنْكُمْ اَوْ يَحْمِلُهَا تَحْمِيْلًا كَيْفِيًّا اِنْ هِيَ مِنْكُمْ
 اندر از آن قضیهها اشاره کنند همراه آن قضیهها نهرها جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت میکند
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که مسلمان از تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحمت مخموم
 و حریق مخموم عبارت از غم است که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از غم بهشت صداع نشود
 چنانچه در قرآن است و عقل زایل نگردد و چون این بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر دادند
 که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند و آخرت از آن محروم
 اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خوراند او را حق تعالی جحیم
 خوراند و هر که خوف خدا نهر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن و در حظرة القدس خورانیده شود و در بهشت
 وارد شده که در بهشت درخت باشد که از آن لباس شستیان ^{سنگین پاک} بپایند اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
 سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و بار دیگر و خوبتر این ابی حاتم از کعب جبار آورده که اگر یار چه بهشت را
 در دنیا پوشد چشما دیدن آنرا تسخّل نشوند هر که آنرا ببیند بهوش شود و میبرد و صاحب آنرا عکرمه زود کرد
 که لباس شستی در یک ساعت بقادران تبدیل شود و در صحیحین نیست که آنحضرت فرموده که هر که حریر در دنیا پوشد
 در آخرت نباشد اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زریان لقمه خورد و در آخرت از آن نخورد
فصل در صحیحین است که مومن را زیور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی گفته
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که او را مروارید آن باین مشرق و مغرب روشن سازد
 و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن نموده و او را از سندس استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده که
 مصیبت زوجه را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشانند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده که
 ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد از اطعام
 ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
 یکی از زرد دوم از لقمه سوم از مروارید از کعب جبار مرویست که حق تعالی در شش پیکارده است که از زور

قولاً طبعاً ایمان یعنی طبعی که در دنیا و آخرت باشد

پیدایش خود تا روز قیامت زبوره شستیان تیار میکند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی **لَا تَقْرَأُوا**
الْكِتَابَ یعنی فرشتهها شستیان را استر از استبرق با هم دوست که گفته که ظاهر این است که اگر باشد
فصل **مُتَكَلِّمِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْكَانِ** یعنی تکیه زده بر اکیها بشینند و یک را در پند می چاکش گویند
 که در زبان تخت یعنی چهار پای باشد و با آن جمله باشد سجاد گفته اریکها باشند از مر و اید و یا تو
 و **تَمَارِقُ** مصروفه یعنی تکیها با هم صفت بسته از ابن عباس و یست که خیمه از مر و اید مجوف باشد
 فرسخ و فرسخ چهار رخته از زردان باشد متفایکین یعنی اهل هشت رو برو نشینند بعضی بعضی
 پشت زده و در صحیحین از ابی اسحق اشعری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که خیمه یک دارد مجوف باشد
 که شصت کوه عرض آن باشد و هر گوشه از آن اهل خانه باشند بر موی که دیگر اهل خانه را بینند و آن موی همه آنها بگذرد
فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر کس در بهشت دوز و جبه با و ترندی باشد
 از آنحضرت روایت کرده که ترویج کرده شود موی هفتاد و زوجه گفتند یا رسول الله قوت هفتاد زن داشته باشد
 فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی الجمعه و احمد و ترمذی از ابی سعید
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هفتاد و دوزن باشند هفتاد و خلق هشت و دوزن
 از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات حد و نسا و کثرت بسیار
 شاید آن باعتبار بعضی اشخاص باشد لیکن روایت دوزن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث
 که آنحضرت زنان گفت **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را زن گفتند
 چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران بنمایید و نیز آنحضرت غرا بهارا
 دیدند و از غرا بهایکی بود سفید باز و با سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل هشت نشوند مگر مانند
 این غرا به از غرا بهای یعنی بسیار کم و از حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
 توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل هشت نشوند لیکن
 انجام شان به بهشت باشد و مراد **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** **لَا خُلُقَ** **أَبْدَلِيلُ** آنکه علت دخول شان
 در دوزخ کفر و فجور و انحراف بوده بلکه اکثر لعن کفران شوهر فرموده و بتخیل که مراد آن باشد که هر کس از است حمیری

فصل از آنکه جاده باشد
 یعنی نویس که یکجا
 متفایکین

حاصل آنکه نموده شده
 ای زنان اکثر دوزخی
 یعنی زنان اکثر دوزخ
 از آنکه در حدیث آمده
 از آنکه در حدیث آمده

و وزن باشند گوازان هم سابقه باشند با طفل مرده باشند از اطفال سونین یا اطفال کفار و وقت
 دخول جنت جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
 از همه بهتر باشند زنان هشت یا یک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و دلد و منی آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر زنی از زنان هشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی
 آفتاب را بپوشد و دامنش را از دنیا و ماینها بهتر باشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در سبب
 چون داخل هشت شدم در موضعی که بتیج نام دارد در آن خیمه یا قوت و مرادید و زیر جلد بود و از زنان
 السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبریل اینچه آواز است گفت این مقصودات فی الجمله
 اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زانیم راضی گاهی ناخوشی
 نکنیم همیشه باشند گان گاهی سفر کنیم طهرانی از بی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرموده که حوران هشت از زعفران مخلوق باشند و این مبارک از زید بن سلم آورده که پیدایش
 از مشک زعفران کا فور باشد از خاک و طهرانی و بهیقه از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
 صلی الله علیه و سلم که زنان دنیا از حوران هشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر ستر بسبب آنکه در روز حق
 رویه ایشان را نوزخ شد و جسد ایشان اسفید و خوبی و مجامر شان از مرادید و شانها شان از زربا ام
 پرسید یا رسول الله زنی در دنیا و شوهر کند یا سه یا چهار در هشت که باشد فرمود که او را اختیار داده شود
 پس اختیار کند مگر ترا و اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
 ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
 مرد و آن زن شوهر دیگر نکند و در هشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید اَنَّا اَنْشَأْنَا هُنَّ اَنْثَاءً
 فَجَعَلْنَا هُنَّ اَبْكَارًا اَوْ اَعْمَرَ بَا اَنْزَابٍ یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در هشت داخل خواهد
 بکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترمذی و بهیقه از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که پیر زنان کو چشم و چو گین چشم راحی و آن جوان بکار سازد و نیز همچنین ام سلمه
 روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل هشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

در این حدیث
 از زینب بنت جحش روایت شده است

حق تعالی میفرماید **وَحُجَّتُكَ** یعنی سیاه چشم و **كَمِثَالِ الْوَلَدِ الْمَكْنُونِ**
 یعنی مانند مردی در صدف و میفرماید **خَيْرَاتُ حَسَنٍ** یعنی نیک خود خوشرو این مبارک از
 ادعای روایت کرده نیک خوابش در زبان دراز میبوده گوناگون باشند رشک یکدیگر نکنند ایضا
قَالَ صِرَاطُ الظَّرْفِ یعنی چشم خود بر رواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نمی بینند و فرموده
 گوایب آنرا بای یعنی پستان نو خاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که خورشیدی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بهیچ
 از این عباس از آن سرور روایت کرده که این هشت راقوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه
 با صد زن جماع کند و ظهر آن از ابی امامه از آنحضرت روایت کرده که آلات جماعت مانده نشود
 و شهوت منقطع نگردد و بزار و غیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که
 این هشت بازمان خود جماع کنند باز زن باکره شود لیکن از جماع و دینت تواند باشد اگر
 کسی احیاناً آرزوی ولد کند حمل در او نمودن و جوان شدن مولود در یک ساعت است و بدکذا را که
 و البیهقی و غیر جماعت صلی الله علیه و سلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از جوین صحبت داشته تا
 ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری است بهتر از اولی میگوید که
 ولی خدا آیامر ابا تو نصیبی نیست چندی بادی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه
 و همچنین همچنین رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
 بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد در حوران هر که خواهد بگیرد و فرموده که سه چیزند هر کسی را یکی از آن
 باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا داد کند و خیانت نکند و کسی که قاتل
 خود را بکشد و کسی که بعد از نماز سوره اخلاص بخواند و فرموده هر حوران قبضهای خرد و پارچهای
 نان است یعنی آنچه پدر و پسران بدیده و فرموده جارب کشتی مساجد حوران است و فرموده که هشت
 زمینت بگیرد از سالی تا سالی بر ماه رمضان حوران زمینت بگیرد از سالی تا سالی دیگر برای ماه
 چون رمضان داخل شود و هشت گوید آبی بگردان و دینماه از بندگان خود ساکنان در حوران

دریشت کند لغو و بزل دشم و مانند آن نباشد هرگز پدید یار رسول الله در بهشت است باشد فرمود اگر داخل بهشت
 هرگاه سوار می سپید خاکی کسی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پرباشند بر دوات و هر جا که خواهی راند و دیگر نشانی
 یار رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد میتا باشد
فصل در بهشت بازار باشد که در آن بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان و در آن باشند
 بر صورت که کسی را خوش کند همدان صورت گردد و نظیرانی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 روایت کرده در جنت عدن سواهی انبیاء و شهداء و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن آنچه در خطبه کوفی
 بهم گفته شده باشد تغییر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که در آن روایت حق تعالی داعی باشد سلم
 از انس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد در آن تو دمی مشک باشد
 و جمیع مردم در آنجا روند و با شالی برانند و در مشک بروی و پارچه های ثمان نقش اند حسن و جمال زیاده
 شود چون نزد اهل خود روند آنرا گویند و الله شام حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که بطور در
 مثل شتر نخعی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان ادبش آید و از آن هر لذت خورد باز
 آن طعم برود و در بهشت با هم ملاقاتها کنند بر شتر سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه گمین
 و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درختی
 باشد که از بالای آن حلما و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینبانی شان و با گمانی شان از مر و اید
 یاقوت باشد و آنها را پرباشد و آنها قدم نهند چنانکه بصیر رسد اولیا الله بران سوار شوند و بگذرند
 دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نورشان نورای ما را فرو نشاند و ما
 که اینها در راه خدا اتفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جامه میکردند و شما نمی شستید بهیچ از مجاهد
 ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی **وَإِذَا كُنْتُمْ فَجَعَلَهُم مِّنْ دُونِكُمْ** گفت که مراد از ملک
 آنست که فرستاده رب لغت تحفه و لطفها بر روی آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از آنجا
 و آن حاجب حاجب دیگر و همچنین پس از آن به ولی الله بدخل هرگاه آن ولی خواهدی اذن پروردگار خود شست و
 تغییر گوید این از انجاست که حق تعالی از جمل الوری و حجب غفلت در میان نیست که حضور داعی دارد

در اینجا
 هرگاه نظر کنی
 در اینجا
 هرگاه نظر کنی
 در اینجا
 هرگاه نظر کنی

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر را نباشد و از کعب احبار مروست
 که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگر را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
 و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع ریش
 بناهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
 از ابن عباس آورده که زبان این بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبوره این زبان
 باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
 روایت کرده که دیدم اکثر این جنت فقر و اکثر این جنت غنم زنان و بزرگواران آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم روایت کرده که اکثر این بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
 و وجهی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از بهری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتی که دلهای شان مثل دلهای پندگانه
 باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم روایت که حق تعالی این بهشت را گوید که شما را ضعیف گویند چرا ضعیف نشویم که ما را
 دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا نداده ام شما را آنچه ازین همه افضل است گویند
 ازین افضل چه باشد فرماید که از شما را ضعیف شده ام که گاهی ما را ضعیف نشویم
فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا و افض و خارج و منزلت از انبیا
 دارند اهل سنت و جماعت بدان متدی شده اند حق تعالی میفرماید **وَبِشْرَىٰ لَكَ فِيهَا**
لَا تَنْظُرُ و میفرماید **لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ** و زیاده **وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَحْمَةٍ**
 زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیه یعنی از هر چهار خلق را شدن و ابی بن کعب و کعب بن جحش
 ابن مروویه و انس ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس ابن مسعود و غیره مرویست و سول
 فرمود صلی الله علیه وسلم قریب است که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید
 در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد چنانچه بن سعید گفته که در بهشت حق تعالی

بعضی از بهشتیان
 روزنامه باشند و در دنیا
 پروردگار خود را می بینند
 و آنرا از این جهت
 که در حالت نیک باشند
 و زیاده این است
 و این را
 و این را

هفته حدیث صحیح وارد شده و اجماع است بر آن منعقد گشته انکار آن کفرست ذکر احادیث تروت
 بسیار طول دارد و قوتیکه بدولت دیدار شرف شوند صبح نعمتها میشت از نظر ساقط گردد اگر احیاً
 مرویست که آنچه در دنیا روز عید باشد مردم بر ایند چمنهای بهشت و خدا را به پسند یعنی در یک
 یکد و بار و بعضی احادیث آمده که در نهفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد
 و بعضی احادیث آمده در هر پنج روز یکبار و بهیچ از آنش روایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد
 که هر صبح هشتام بنید و ابو نعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بندگان خاص حق تعالی
 چنان باشند که اگر یک آن از رویت محو شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان بر آخروج از دوزخ فریاد
 فائده از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه مرویست که در تفسیر قوله تعالی ^{تلقه} **فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ** بوجوه اتفاق
رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا فرمود
 هر که خواهد خدا را بیند باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاهان زود خبر نکنند
 فصل بعضی علما گفته اند که رویت حق تعالی مخصوص بهشت است ملائکه را نخواهد شد لیکن بهیچ ملائکه
 را هم رویت اثبات کرده از عمر و بن عاص روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پسندیده خشنه
 همه شان همیشه در عبادت قائمند تا روز قیامت چون روز قیامت شود بر آنها حق تعالی تجلی کند
 به بند حق تعالی را بگویند **مَا عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ** و نیز از مردی از اصحاب از حضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدای لرزانند
 نشان نیست از آنها فرشته که میریزد قطره آب از چشم گر از آن قطره فرشته می آید که تسبیح میکنند
 از فرشتگان از روزیکه پیداشده اند در سجود اند سر از سجود بر دارند تا روز قیامت و بعضی صفت
 استاده اند از آن حرکت نموده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدا را
 گویند **سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ كَمَا يُبَغِّی** یعنی با کیست مرترا عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید
 فصل کفار از جن افلس در دوزخ باشند با اتفاق و در مومنان از جن علما را اختلاف است بعضی
 ایشان را دوزخ بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

اینکه که ایستاده
 عبادت بر دوزخ خود را
 باید که کند کار نکند و در زیر
 کند در عبادت
 در دوزخ خود را
 در عبادت
 در عبادت
 در عبادت

جن نه داخل هشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق آنست که مومنان جن را قتل
 و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطاباً للثقلین **لِمَنْ خَافَ قَلَمَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ فِیْهَا لَا تَدْخُلُهَا أَنْتُمْ كَذِبًا** و قال **لَمْ یُطِثْ لَهُمْ نَاسٌ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌّ** و قال الله تعالی حکایه عن کلام
 الجن **وَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا**
 و بیستی از انس از انسور صلی الله علیه و سلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر آنها عذاب باشد
 پس سوال کرویم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند و در هشت با است محمد صلی الله علیه و سلم نباشند
 پس سیدیم که اعراف چیست فرمود جایست بیرون هشت در آن نه بار جاری اند و درختها و ثمرها و آراین
 و هب مروی است که رسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید **أُولَئِكَ لَنْ یُخْزُوا**
عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِی أَمْرِ قَدْ خَلَقْتُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَنْتُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ و لیکن
 در حدیثی از ابی عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام درشت باشند
 و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی درشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس
 و حمزه بن حبیب گفته جن داخل هشت شوند برای جن جنیات باشند و بر انس انیات

أَحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ خَالِقِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
 وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ
 الْمُخْتَارِ قَبْلِهِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ
 عَلَى آلِهِ وَحَاجَائِهِ الْأَبْرَارِ
 الْأَخْيَارِ

خطاب کرده و جن را
 کافران را عذاب
 و مومنان جن را
 ثواب باشد و بر
 آنها عذاب باشد
 پس سوال کرویم
 از ثواب آنها
 فرمود بر اعراف
 باشند و در هشت
 با است محمد
 صلی الله علیه و
 سلم نباشند
 پس سیدیم که
 اعراف چیست
 فرمود جایست
 بیرون هشت
 در آن نه بار
 جاری اند و
 درختها و ثمرها
 و آراین
 و هب مروی است
 که رسیده شد
 که جن را ثواب
 باشد گفت آری
 حق تعالی
 میفرماید
 أُولَئِكَ لَنْ
 يُخْزُوا عَلَيْهِمُ
 الْقَوْلُ فِی
 أَمْرِ قَدْ
 خَلَقْتُمْ مِنَ
 الْجِنِّ وَ
 الْإِنْسِ أَنْتُمْ
 كَانُوا
 خَاسِرِينَ و لیکن
 در حدیثی از
 ابی عباس
 روایت کرده
 که خلق چهار
 قسم اند یک
 خلق تمام
 درشت باشند
 و آن ملائکه
 و یکی تمام
 در دوزخ و آن
 شیاطین اند
 و دو خلق
 بعضی درشت
 و بعضی در
 دوزخ و آن
 جن و انس
 و حمزه بن
 حبیب گفته
 جن داخل
 هشت شوند
 برای جن
 جنیات
 باشند و بر
 انس انیات

خاتمه الطبع پس از سپاس آفریننده سید و معاد و بهشت و دوزخ جزا دهنده عباد و درود سید کل شافع کل در
 محمود و برارن عاصیان از میان آتش و دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گران از بالای
 بل چون برق گذران نموده می آید که چنانچه تذکرة احوال موتی در میان شد اند فورا باعث اقدام بر طاعت امر از دست
 همچنین تذکرة احوال آنحضرت معاد و امید و بیم تواب عقاب یوم التنا و عدلت گزاشتن موجبات وقوع در بر این طلب
 اسباب خول و جهان است نظر بر وجه پیشین پیش ازین ساله متبرکه تذکرة الموتی و القیور طبع دارد جلوه فرا
 جهان گردیده اکنون نظر بر وجه پیشین بر حسب یقانی و عده سابقه که در خاتمه رساله موصوفه مطبوعه بر این تحریر پیش
 کتاب هدایت نصاب تذکرة المعاد و از اخادات جناب علم الکمد علامه الموری مولانا قاضی محمد شمس الدین
 قدس سره به تصحیح تمام و تصحیح مالا کلام و ترجمه عبارات عربیه ثبت حواشی ضروری به اتمام امیدوار افضال بیرون
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روش خان منصور در مطبع نظامی واقع کانپور بجا و آلا شریف
 پیرایه طبع در کبرشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراض فرمای گنج گاران از معصیت گشت هرگاه اهل نظر
 چشم بصیرت برین شاهزیا بکشایند و دید دل را بیدار گشت نور و سرور و فرمایند احقر را در وقت خاص بیاد آور
 حسن خاتمه ممنون فسر باید چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب دس سره رغبتی تمام دارد و خصوصاً
 تفسیر منطهری که بکلی عمت و بکلی نعمت خوانان طبعش می باشد فاسرایه حصول این مامل دست می دهد اگر بزرگان
 توجه دلی را در دعا کار فرمایند ما افضال اینودی اسباب طبعش را از زانی فرموده آن خنده رخسار از
 مسطور قلمت بر منصفه کثرت بجلوه گرمی نشاند و دیده آرزو مندان دیدارش را نور آگین و مسرت آگاه داند
 آمین رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ وَأَزْوَاجِهِ أَجْمَعِينَ

و چه ختم بر خاتمه برای سندی می که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست محمد و دستخط مستم نموده شد



العبد
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روش خان
 کانپور
 ۱۳۲۸

CALL No. { ۲۹۷۲ (۵) ACC. NO. ۱۳۲۹۹
 AUTHOR تنہا اللہ پانی پتی
 TITLE تذکرۃ المعاد

NOT TO BE ISSUED
 PERSIAN SECTION

شام

۱۳۲۹۹ ۲۹۷۲

تذکرۃ المعاد

THE BOOK

Date	No.	Date	No.
NOT TO BE ISSUED PERSIAN SECTION			



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

